

جمهوری اسلامی عملاً در کنار عراق قرار گرفت

خامنه‌ای در میانه‌ی حمله‌ای شدید به آمریکا و با اعلام جنگ مقدس علیه حضور نظامی این کشور، عملاً از صدام حسین دشمن چندین ساله خود اعلام حمایت کرد

برای شرکت در تحریم اقتصادی عراق، عراق حلقه محاصره را بر گرد خویش تنگ‌تر احساس کرد. نیاز جدی عراق به ادامه جریان ورود فرآورده‌های صنعتی و برخی مواد نیم ساخته و خام و مهمتر از آن ایجاد امکان برای فروش نفت خود، چشم انداز کسب سودهای کلانی را برای سردمداران جمهوری اسلامی پدید آورده است. نمونه ترکیه که به هنگام محاصره اقتصادی ایران بقیه در صفحه ۲

اسلامی، موقعیت عراق را تحکیم کند. طارق هزیز به تهران آمد تا معامله‌ای پرسود را به حکومتگران بازاری ایران پیشنهاد کند. این معامله سرگرفت. سخنان خامنه‌ای در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور اعلام رسمی سرگرفتن این معامله بود. آخوندهای حاکم از این بده‌بستان چه سودی را انتظار می‌کشند؟ بدنبال قول پرداخت رشوه کلان چندمیلیاردی از طرف قدرت‌های غربی به ترکیه واردن

بی سابقه ۶۶۵ شورا امنیت که در روز ۲۵ اوت به تصویب رسید، توسل به اسلحه برای اجرای تحریم اقتصادی عراق را نیز مجاز اعلام کرد. خطر ایجاد درگیری نظامی و تنگنای تحریم اقتصادی، وزیر امور خارجه عراق را به تهران کشاند تا برای شکستن حصر اقتصادی، رفع انزوای سیاسی و تقویت مواضع خود در قبال آمریکا و متحدینش با دادن امتیازها و پیش‌کش‌های سیاسی و اقتصادی به رژیم بحران زده جمهوری

نتایج دیدار طارق یوحنا عزیز وزیر امور خارجه عراق از ایران و مذاکرات پشت پرده وی با مقامات جمهوری اسلامی بتدریج آشکار می‌شود. شواهد بر این امر دلالت دارند که رژیم آخوندی توافق‌های بسیار گسترده و مهمی را با دیکتاتور عراق به عمل آورده است. نتایج این دیدار و توافق‌های مخفیانه انجام یافته، مطابق انتظار، رسماً اعلام نشده است.

به دنبال تجاوز نظامی صدام حسین به کویت، لشکرکشی بی سابقه آمریکا و متحدانش به منطقه آغاز شد. آمریکا نیروی عظیمی را در منطقه و در خاک عربستان سعودی مستقر کرد تا دیکتاتور عراق را که گستاخانه حق انحصاری تجاوزگری آمریکا را نادیده گرفته بود تنبیه کند. مقابله صدام حسین با خطر حمله نظامی آمریکا از طریق گروگان‌گیری اتباع کشورهای غربی مقیم عراق و کویت بر دامنه تشنج افزود. همسویی اکثر کشورهای جهان در محکوم شناختن اشغال نظامی کویت توسط عراق و خواست رفع مسالمت آمیز این تجاوز روش محاصره اقتصادی عراق را در دستور قرار داد. قطعنامه

اکثريت

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۹ برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۱۹

وحشت از روشنگری

بدنبال یورش به امضا کنندگان نامه سرگشاده به فرانسجانی، رژیم با حمله به گردانندگان نشریه "آدینه" قدم دیگری علیه روشنفکران ترقی خواه کشور برداشت. هیچ رژیمی هر اندازه هم که مستبد باشد، نمی تواند تمام مجاری تنفس جامعه را مسدود سازد و همیشه روشنفکرانی وجود دارند که در جستجوی راهی برای حرف زدن با مردم خویش این مجاری تنفس را باز می‌یابند. رژیم فقها و استبداد قهاستی از این تاعده مستثنی نیست و روشنفکران میهن ما به اتکالی سالها زندگی زیر سر نیزه استبداد، به خوبی آموخته‌اند که در شرایط ترور و اختناق منافذ موجود زیر



نتایج دیدارهای پشت پرده وزیر امور خارجه عراق با مقامات جمهوری اسلامی از سفر به تهران هنوز آشکار نشده است.

سومین دیدار گارباچف و بوش



در روز یکشنبه ۹ سپتامبر میخائیل گارباچف و جرج بوش، روسای دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، برای سومین بار با یکدیگر ملاقات کردند. دیدار این دو، که بحران در خلیج فارس انگیزه آن بود، در شهر هلسینکی صورت گرفت. در پایان گفتگوی بوش و گارباچف اطلاعیه مشترکی از جانب آنان صادر گردید، که ترجمه کامل آن در همین شماره نشریه درج شده است. همچنان که در این اطلاعیه آمده است آمریکا و شوروی برآنند که زیر پوشش تمهیدات شورای امنیت سازمان ملل متحد با تجاوز عراق به کویت مقابله کنند. اطلاعیه می‌گوید "ما ترجیح می‌دهیم که بحران به صورت مسالمت آمیز برطرف گردد... ما به طور اکید مصممیم که به تجاوز خاتمه بخشیم. اگر اقدامات فعلی موفقیت آمیز باشد، ما این آمادگی را داریم که در انطباق با منشور ملل متحد، تمهیدات دیگری پیش گیریم." این جمله آخر مورد تفسیرهای مختلفی قرار گرفته است. تقریباً همه ناظرین سیاسی از آن این برداشت را کرده‌اند، که شوروی و آمریکا توافق نظر یافته‌اند که اگر تمهیداتی مثل

تحریم اقتصادی عراق، کارساز نبود، به راه حل نظامی رو آورند. البته گارباچف در کنفرانس مطبوعاتی هلسینکی تأکید کرد که وی وقتی از "تمهیدات دیگر" صحبت می‌شود، راه حل نظامی را در نظر نمی‌آورد. بوش در این مورد گفت که این مساله، یک "مساله فرضی" است و دیگر توضیحی نداد که در مورد فرض راه حل نظامی آمریکا دقیقاً چه موضعی دارد.

دزدی داریم قاذوی!

از وزارت نفت خواست با فروش لوله‌های خارج از رده مبالغ مذکور را برای کارهای عمرانی هزینه کند که از وی خواسته شد، طی مراحل قانونی اقدام به چنین کاری بکند، اما این اقدام قبل از طی مراحل مذکور انجام شد. معادیری از این لوله‌ها به قیمت ۶۵۰ میلیون ریال فروخته شد. "آغاز زور و زور زور" سپس توضیح داد که قرار شد مبلغ مذکور در اختیار استان دار خوزستان قرار گیرد. اما متأسفانه مشخص شد این مبلغ تماماً توسط امام جمعه در امور مختلف هزینه شده است. "خیال می‌کنید قانون در مورد دزدی ۶۵۰ میلیون ریالی چگونه اجرا شد؟" آقازاده توضیح می‌دهد: بقیه در صفحه ۲

همداتر بر زمینه فقر و احتیاج شدید صورت می‌گیرد. حالا به خبر دیگری در همین شماره از روزنامه کیهان توجه کنید. طبق سوال نمایندگان آبادان، بهمان و اصفهان از وزیر نفت، آقای نوری امام جمعه مسجد سلیمان با فروش هزاران تن لوله نفت متعلق به وزارت نفت ۶۵۰ میلیون ریال به جیب زده و در حساب‌های شخصی او واریز کرده و در مواردی، نامشخص هزینه کرده است. وزیر نفت برای پاسخگویی به این سوال در مجلس حاضر شده و می‌گوید: "چند سال قبل امام جمعه مسجد سلیمان

کیهان ۱۵ شهریور خبر داده است که دست ۳ سارق را در زندان قصر تهران قطع کرده‌اند. جرم یکی از این ۳ سارق یک فقره سرت و یک فقره شروع به سرقت، دیگری ۷ فقره سرقت و ۵ فقره شرکت در سرقت و سومی یک فقره سرقت بوده است. روابط عمومی دادسرای همومی تهران موارد این سرقتها را ذکر نکرده است. اما از اخبار متعددی که در لابلای صفحات روزنامه‌ها درج می‌شود پیداست که اینگونه سرقتها که هر روزه دهها و صدها مورد آن اتفاق می‌افتد "قناب دزدی"هایی است که

اعدام ۵۱ مجرم طی يك روز

تجاوز و قاچاق را وابستگان به همین گروهها تشکیل میدهند. آنها با استفاده از حمایت های رژیم به هر جنایت و خلافکاری دست میزنند. کار به جایی رسیده است که حجت الاسلام مقتدایی رئیس دیوان عالی کشور مجبور شد برای نخستین بار به این واقعه اعتراف کند. وی در سخنانی در مشهد (۱۴ شهریورماه) گفت: "جنگ تحمیلی و وجود پناهندگان خارجی از عوامل مهم افزایش جرمهای متعدد در کشور می‌باشند."

برای معار مغاسد و به گسترش اجتماعی رژیم به کشتار وحشیانه و مجازاتهای سنگین علیه قاچاقچیان و مجرمین دست یازیده است. تنها طی چند روز ۴۸ قاچاقچی مواد مخدر در مشهد اعدام شدند، ۳ راهزن در خاش و در ملا هام به دار آویخته شدند. دست سارق در زندان قصر تهران قطع شد... علیرغم مجازاتهای سنگینی که رژیم در مورد خلافکاران اجتماعی در پیش گرفته است و تمهیدهایی که در مورد قاطعیت بیشتر در برخورد با آنان صورت میگیرد، جرایم اجتماعی نظیر دزدی، قاچاق، قتل، آدم ربایی، تجاوز و کلاهبرداری دامنه هر دم وسیعتری بخود میگیرد و ابعاد آن گسترده و گسترده یافته است. توسل رژیم به اعدامهای گسترده و مجازاتهای قرون وسطایی تاکنون نتوانسته است مانع بروز و گسترش این جرایم شود و پس از این نیز نخواهد توانست بشیوه موثری برای کاهش اینگونه جرایم گردد.

شرایط اجتماعی که رژیم جمهوری اسلامی در ۲۱ سال حکومت خود در کشور ما پدید آورده زمینه ساز گسترش همه نوع مفاسد اجتماعی است. فقر و نیاز شدید، به دزدی میدان میدهند، جنگ‌نشارهای روحی و نبود امکانات تفریحی و ورزشی جوانان را به سوی مواد مخدر سوق میدهد، فساد حاکم بر دستگاه اداری کشور، کلاهبرداری و ارتش را پدید میآورد. جامعه ما هم از نظر اقتصادی، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر فرهنگی بحران زده است و این بحران مفاسد اجتماعی را گسترش می‌دهد و به آنها دامن می‌زند.

- در این شماره**
- جهان سوم
 - در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب
 - در صفحه ۶
 - طرح پیشنهادی برای حل مساله کردها
 - در ترکیه
 - در صفحه ۸
 - بسکتبال جوانان آسیا: تیم ایران دهم شد
 - در صفحه ۵
 - نمایش "سوگ سیاوش" در کلن
 - در صفحه ۴

سیاست رژیم در جهت همکاری با باند های ضد انقلابیون افغانی و کشاندن تعداد هر چه وسیعتری از ناراضیان کشور همسایه به ایران، عامل تشدید کننده این وضع است. رژیم به دلایل سیاسی این گروهها را مورد حمایت همه جانبه قرار داده و بر قاچاق گسترده مواد مخدر توسط آنان چشم پوشیده است. اکنون مجاهدین افغانی چنان تشکیلاتی به هم زده اند که رژیم دیگر اگر بخواهد هم به آسانی قادر به مهار آنها نیست. دستجات گوناگون مجاهدین افغانی مورد حمایت رژیم بزرگترین عامل قاچاق مواد مخدر از مرزهای شرقی کشور هستند. در میان ۴۸ قاچاقچی اعدام شده در مشهد اسامی یک باند قاچاق افغانی که به صورت کاروانی و مسلحانه اقدام به وارد کردن مواد مخدر میکرده اند، به چشم می‌خورد. بخش عمده ای از متهمین به قتل، سرقت،

جمهوری اسلامی رسمآ در کنار عراق قرار گرفت

بقیه از صفحه اول
با واسطه‌گری در فروش محصولات آمریکایی و اروپایی به ایران به قیمت‌هایی شاید تا چند برابر، به اقتصاد ورشکسته خود سرو سامانی داد، در پیش چشم قرار دارد.

جمهوری اسلامی از سویی با پیشنهادها و اشتها برانگیز عراق روبروست و نمی‌تواند از آنچه همین امروز از معامله بادیکتاتور عراق عایدش خواهد شد چشم‌پوشد و از سوی دیگر علاوه بر نگرانی از تثبیت موقعیت برتر رژیم صدام در منطقه نمی‌خواهد رشته‌هایی که تا امروز در جهت بهبود مناسبات با غرب بافته شده پنبه شود و آمریکا و ناتو در مقابلش قرار گیرند. علاوه بر اینها تضادهای درون رژیم و نارضایتی سپاه و نیروهای نظیر آن از سکوت عملی در مقابل لشکرکشی آمریکا و تلاش برای بهبود مناسبات با عراق تا حد تطهیر صدام حسین نیز بر گروه‌بندی حاکم فشار وارد می‌سازد. موضع‌گیری خامنه‌ای در شرایطی که مذاکرات برای حل مسائل با غرب ادامه دارد برآیند مجموع فشارهایی است که بر سران رژیم وارد می‌شود.

شواهد نشان می‌دهد که در این زمینه جناح‌های رژیم به توافق و مواضع کم و بیش مشابهی رسیده‌اند. جناح حزب الله افراطی تصمیم به نزدیکی به عراق را با کوبیدن بر طبل ضد آمریکایی خود به پیش می‌برد. در شرایط صفا آرای عراق و آمریکا، در مقابل هم، حمله شدید و پر مناسبتی را برای نمایش ضرورت نزدیکی به طرف دیگر، عراق، پدید می‌آورد و چه واقع‌اند آخوند‌های جنایتکار حاکم که سال‌ها با نغیرهای شوم جنگ، جنگ با هدف پیروزی بر «صدام یزید مغلقی»، به جنگی ادامه دادند که هستی صدها هزار انسان را در تنور خودسوزاند و ویرانی‌ها و صدمات بی‌شماری به بار آورد. اکنون به ناگهان این «دشمن خدا» همان صدام آمریکایی به بخشی از «امت اسلامی در بیکار مقدس علیه شیطان بزرگ» و نیروی آزادی «ماکن متبرکه از جنگ حاکمان بی‌کفایت سعودی» تبدیل می‌شود. و این در حالی است که همچنان در تبلیغات خود از پیروزی و حقانیت در ادامه جنگ تا زمان پذیرش قطعنامه شورای امنیت دم می‌زنند. راستی را که وقاحت و تبمکاری سردمداران رژیم آخوندی را حدی نیست.

دزدی داریم قاذوری!

بقیه از صفحه ۱
در حال حاضر صورت هزینه‌های انجام شده از طرف امام جمعه مسجد سلیمان به استانداری ارائه شده و مختصر اختلاف موجود در حال بررسی است.^۱

چنین است معنای اجرای عدالت در جمهوری اسلامی. سارتی راه جرم یک فقره سرت کویچک قطع دست می‌کنند و آخوندی را که ۵۰۰ میلیون ریال دزدی کرده است آزاد می‌گذارند تا در نماز جمعه به مردم درس اخلاق بدهد و در مورد فواید قانون اسلامی قطع دست دزدان سخنرانی نماید!

اکثريت

وحشت از روشنگری

خطربلند می‌شود. در اینجا دیگر باند محتشمی، یا دسته رسالت یا گروه رفسنجانی نیست که چماق‌دار علم می‌کند کل رژیم است که یک سیاست همدمند راپیش می‌برد. سیاستی که محور آن هدم تحول نهادی است که مستقل از رژیم با مردم رابطه برقرار کند.

اگر تا دیروز لبه تیز سیاست سرکوب و وحشیانه رژیم عمدتاً متوجه فعالین متشکل در گروه‌های مخفی بود، امروز قلع و تمع همه آن نهاد‌های فرهنگی، هنری و حتی ورزشی که مورد هلاک و توجه مردم قرار گرفته باشند و احتمالاً بتوانند به وسیله‌ای برای بیان دردها و روزنه‌ای برای ورزش نسیم و کنار رفتن خاکستر بدل شوند، نیز به دستور کار ارگان‌های سرکوب‌گر رژیم افزوده گشته است. یورش به نشریه فرهنگی آدینه تازه ترین - و نالزوما آخرین تجلی بارز این سیاست سرکوب است. سیاستی که نتیجه «درس آموزشی» فقه‌ان تحولات جهان امروز و نشانه وحشت عمیق آنها از خیزش مردم است.

این سیاست پیش از این نیز وجود داشت. اما امروز بر جسته‌تر از گذشته در دستور روز رژیم قرار گرفته است. نخست به این دلیل که جنبش روشنگری و روشنگری ابعاد بسیار گسترده و خطر سازی یافته است و دوم بدین سبب که دنیا طی چند سال اخیر دستخوش تحولات عمیق شده و ملاحی مابه‌چشم خود دیدند که چگونه «جنبش‌های در سایه» مثل آتش زیر خاکستر، بی‌آنکه به چشم بیایند، ماندند، بالیدند و با سرعتی باور نکردنی با ورزش نخستین نسیم‌ها، از زیر

بقیه از صفحه اول
تقدیر می‌خواهند زنده بمانند و برای زنده ماندن با همه نغرتی که از فرهنگ، دانش، عقل‌گرایی و تجدد دارند، مجبورند صاحبان دانش و تخصص را در حد نیاز خود تحمل کنند و هم در اینجا است که نخستین منافذ گشوده می‌شود و روشنفکران تحمل شده، حضور خود را تحمیل می‌کنند، راه می‌گشایند و به پیش می‌روند.

برای فقا اما، این پیش روی فقط اتحاد معینی قابل تحمل است وقتی نود نفر نامه‌ای را امضا می‌کنند، زنگ خطر به صدا درمی‌آید: خطر اینکه بر بستر نغرت عمیق مردم، فردا «نود» به نهد تبدیل شود و با افزایش صغرها جنبشی تازه پا بگیرد.

هنگامی نشریه‌ای فرهنگی که در چارچوب قانون اساسی رژیم، با احتیاط و بازبان آزیب از فرهنگ و هنر مترقی می‌نویسد و به ممت مردم، به رقم محاصره اقتصادی، سر پا می‌ماند، باز هم صدای آژیر

والدین باید بخشی از هزینه تحصیلی فرزندان خود را به مدارس پرداخت کنند

گیلان- خبرنگار زن روز: بخشی هزینه‌ها گرفته شود و در صورت تصویب از هزینه تحصیلی دانش‌آموزان از این طرح ۵۰ درصد از خانواده‌ها ۱۰ درصد درصدهای تحصیلی فرزندان خود دکتر نجفی، وزیر آموزش و پرورش ضمن رأی برداخت می‌کنند و آن دسته از خانواده‌هایی که از درآمد بالایی برخوردارند، در صورت تصویب و با در نظر گرفتن هزینه‌های تحصیلی فرزندان خود را تقبل درآمد خانواده‌ها اجرا می‌شود. می‌کنند.

وی با تأکید بر اینکه تازمانی که مجلس شورای اسلامی برای پرداخت شهریه کرد: مصوبه‌ای ارائه ندهد، دریافت اجباری - با اجرای این طرح در مجموع ۱۰ شهریه ممنوع است، گفت: درصد هزینه‌های تحصیلی توسط مردم - طرحی در دست است تا بر اساس پرداخت می‌شود و ۹۰ درصد هزینه‌ها را درآمد خانواده‌ها، پولی بابت بخشی از دولت می‌پردازد. □

**دبیرستان دخترانه تشکیل جلسه داد و اعتراض پیش از
بروجرد منحل شد**
بروجرد- خبرنگار زن روز: مردم بروجرد در مجلس و دیگر مسئولان قدیمی‌ترین دبیرستان بروجرد که هر استان را جهت اطلاع این مقامات مخابره ساله دختران دانش‌آموز موفق شد. در این ارتباط معاون اداره آموزش و رشته علوم تجربی راهی دانشگاه‌های کشور می‌گردد، به علت کمبود فضای پرورش در گفتگو با خبرنگار ما گفت: مسئله انحلال دبیرستان ولایت قبه آموزشی منحل شد. در پی انحلال دبیرستان دخترانه در کار نیست. این دبیرستان به علت ولایت قبه بروجرد و جایگزینی کمبود فضای آموزشی به طور موقت دبیرستان فنی و حرفه‌ای دختران، برای یکسال، به دبیرستان سمیه انتقال انجمن اولیاء و مربیان این دبیرستان داده خواهد شد. □

به یاد پزشک فداکار رودباری که در زلزله اخیر جان باخت

دور کند»
می‌خواستی بگویی: «توی رودبار بچه‌ها پزشک ندارند، توی رودبار، خیلی از بچه‌های کوچک می‌میرند. توی رودبار امکانات درمانی کم است و...»
می‌خواستی همه این حرف‌ها را با توپ و تشر به فامیلت بفهمانی اما حرمتشان رانگاه داشتی و با لبخندی گرم پاسخ آنان را ایستور دادی... «... نه، من به شهرم باز می‌گردم».

فامیلت در برابر تصمیم و اراده و اعتقاد تو سر فرود آوردند و تو آمدی...
آی دکتر جان هرگز یادم نمی‌رود روزی که تابلوی مطبیت در رودبار بالا رفت... «دکتر... متخصص... از آمریکا». این تابلو، انگار نور امید را در قلب مردم شهرت دمید، این تابلو انگار پیک سلامتی و خوشبختی بود این تابلو... آی دکتر جان هرگز فراموش نمی‌کنم که پیر زن همسایه ما با همان قد خمیدمو تا شده‌اش روزی به مطبیت آمد و با صدایی لرزان به تو گفت: «سلام زای، تی احوال چطوبه الهی خدا، ترده زنده‌واله تی جان ساق بوکونه!»
و از فردای آنروز بوچه که مطبیت: غلغله شد رودبارها همه به مطبیت می‌آمدند و تو دردهایشان را تسکین می‌دادی و بیماری‌شان را مداوا می‌کردی و...
آی دکتر جان اگر زلزله نمی‌آمد، تو حالا توی مطبیت بودی با همشهریها خوش و بش می‌کردی:
- کاس آقا، تره بوگوتم که پلاکتر بوخور ۲۵
- دوکتور چجان، نه تنم، پلا نوخورم چی بوخورم! ۳۵
آی دکتر جان زلزله آمده، انگار زمین و زمان سیاه شد، انگار سیل غم روان شد همه چیز خراب شد، همه چیز ویران شد، انگار هیچکس توی رودبار زندگی نمی‌کرد، انگار، همیشه اینجا یک ویرانه بود یک ویرانه... آی دکتر جان توی شهر خیلی‌ها مردند پیرزن همسایه مرد، «کاس آقا» مرد...

حالا شهر یک ویرانه است، هیچ چیز از آن باقی نمانده، توی این ویرانه فقط من و چند نفر دیگر هستیم که دنبال مطب «تو» می‌گردیم. نه مطب ات با خاک یکسان شد خانهات هم همینطور. بیچهای معلوم نیست چه شدند؟ خودت را پیدا کردیم زیر خروارها خاک بودی، صورتت سیاه و گیو بود اما جای لبخند همیشگی روی آن آشکار بود انگار با وجدانی آسوده به خواب رفته بودی، انگار خوشحال بودی که در سرزمین خودت مردی، انگار... یک نفر از همشهریها که زخمی و خونین و مالمین از زیر آوار به در آورده شده بود تا ترا دید توی سرش زد و گفت: «دوکتور جان چی ره با مویی کی زلزله تی ره بووره» تو می‌خواستی اگر روینداد و حادثه‌ای برای مردم شهرت، برای مردم رودبار پیش بیاید در کنارشان باشی و همینطور هم شد زلزله ترا با مردم شهرت بردو...
آی دکتر جان، تو افتخار شهر ما بودی...
۱- سلام پسر، حالت چطور است؟ الهی خدا ترا زنده نگاه داروجانت را سلامت بدارد.
۲- کاس آقا به تو نگفتم نه پلو کمتر بوخور
۳- دکتر جان نمی‌توانم. پلو نوخورم چی بوخورم
۴- دکتر جان، چرا آمدی که زلزله تو را ببرد
هیچو- ب

دکتر جان تو افتخار شهر ما بودی



یک روز بهاری بود، یک روز روشن و خنک بهاری که آمدی، کوله بارت یک چمدان پر از لبخند و محبت بود و هدیهات سلامتی و عشق. آخر دکتر جان تو، پزشک بودی یک پزشک تحصیلکرده «آمریکا» پزشکی که هیچوقت مردم دردمند و مهربان کشورش را به بیگانه نفروخت و به بهانه تحصیل در آمریکا و دارا بودن تخصص و نداشتن امکانات رفاهی در ایران مردم مملکتش را تنها و بی‌یار و یاور گذاشت برای اینکه به بیگانه خدمت کند. آی دکتر جان تو، رودباری بودی، پدر و مادر و اجدادت در دامنه سرسبز این کوهپایه‌های سالهای دراز زندگی می‌کردند. آنها، در باغهای سرسبز، زیتون می‌کاشتند و در شالیزارها، برنج برداشت می‌کردند. زندگیشان، کار و رنج و تولید بود و دسترنج طلاقت فرسایششان، چه آسان و بی‌دردسر، روانه بازارها می‌شد. سالها در این دامنه سرسبز کوه، آبا و اجدادت و پدر و مادرت و خواهران و برادرانت زحمت کشیدند. دکتر جان! تو، گل سرسبز «رودبار» بودی زیرا مثل همه شالیکاران و زیتون‌کاران اصیل و زحمتکش می‌خواستی به مملکت و مردم مرزو بومت خدمت کنی، وسیله ابزار تو برای این «خدمت»، دانش و علم و پزشکی بود. تو فرزند یک «زیتون‌کار» بودی، سالها پیش، آنزمان که هنوز دانه‌های زیتون به روی درختهای رودبار کال و نارس بودند از «رودبار» خارج شدی. از این شهر سرسبز رفتی تا در خارج از کشور درس بخوانی... اما، دل تو با این مردم بود، قلبت با مردمی بود که زیر سقفهای سفالین خانه‌شان، گاه بیگانه پرپر زدن کودکان بیمارشان را می‌دیدند. همان مردمی که تو با آنان عهد و پیمانی جاودانه بسته بودی. دکتر جان آنروز که با یک ساک کوچک از رودبار خارج می‌شدی به خود و به همه مردم شهرت قول دادی که باز می‌گردی، گفتی: «برمی‌گردم» زیرا هیچ کودکی در رودبار نباید از تبی دو ساعته بمیرد، زیرا می‌اندیشیدی که کودکان، جوانهای باغهای سرسبز زیتون‌ان، شکوفه‌های سپید باغ زندگی... سالها پیش از سرزمینت از دیارت، از رودبار رفتی به عزم قاره‌ها و کشورهای دور، به سوی آن کشوری که همه چیز مردم جهان را برای خود می‌خواهد و مغزها و نخچه‌های این آب و خاک را هم با افسون خویش مجذوب می‌سازد. «تو» رفتی ولی هیچگاه این فکر در ذهنت خطور نکرد که در «بینگه دنیا» برای همیشه و تا آخر عمر بمانی. تو به فکر کودکان یا برهنه و زرد روی شهر ما بودی، تو به فکر، باغهای «زیتون» بودی

که هنوز به بار تنشسته بودند. تو به فکر خوشه‌های سبز برنج بودی که در شالیزارها به انتظار دستهای پینه بسته شالیکار بودند. تو، هوای پاک کوهسار رودبار را طلب می‌کردی و بوی گس و تند شالیزار را... دکتر جان تو پس از سالها باز گشتی. فامیل تو، اقوام نزدیک تو، آنانی که همراه تو به آمریکا رفته بودند در خارج از کشور ممانندند. آنان به تو گفتند: «دکتر برای چه به ایران بر می‌گردی همین جا بمان آنها تکرار کردند که «تو در مجهزترین بیمارستانها کار می‌کنی وضع مالی خوبی داری، همسر و فرزندان در رفاه هستند. آینده شغلی تو تضمین است چرا می‌خواهی به ایران برگردی؟» دکتر جان تو با شنیدن این حرفها عصیان و ناراحت شدی، می‌خواستی سر اقوامت فریاد بسکشی، می‌خواستی بگویی: «اگر تنها من و خانواده من در ناز و نعمت و رفاه زندگی کنیم کافیتست».

می‌خواستی داد بزنی: «مگر من آمریکایی هستم که در این سرزمین بمانم. من اهل ایرانم و اهل رودبار

سومين ديدار گارباچف و بوش

بقيه از صفحه اول
كرده بود كه "هرگونه تلاش براي احياي وضعيت پيش از ۲ اوت ۱۹۹۰ (زمانی كه عراق به كويت حمله كرد) بی ثمر و مذبوحانه است." صدام حسين در اين پيام ادای خميني را درآورده، خود را بنده راستين خدا نام نهاده و تلاش ورزيده بود به خاطر حضور سربازان آمريكايي در عربستان احساسات مذهبي مسلمانان را تحريك كند. اين پيام ثابت می كند كه حكومت عراق در عين حال كه بر روی موضع خود تاكيد دارد، نگران نتايج هم نظري شوروی و آمريكا بر سر مساله تجاوز به كويت است.

اطلاعيه مشترك گارباچف و بوش در هلسينكي

در پايان ملاقات گارباچف و بوش در هلسينكي اطلاعيه زير از جانب آنان انتشار يافت. مضمون اطلاعيه موضوع مشترك آنان در قبال بحران در خليج فارس است:
"ما در اين مورد هم نظريم كه تجاوز عراق (به كويت) قابل چشم پوشي نيست. بر قراري يك نظم بين المللي صلح آميز غير ممكن است، اگر كشورهاي بزرگ همسايه هاي كوچكتر خود را به انقياد خويش در آورند. ما بدينوسيله بر اعلاميه مشترك ۱۳ اوت ۱۹۹۰ و زراي خارجه خود و قطعنامه هاي ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳ و ۶۶۴ شواري امنيت سازمان ملل متحد تاكيد می ورزيم، ما از حكومت عراق می خواهيم بي قيد و شرط از كويت عقب بنشيند، استقرار مجدد حكومت مشروع كويت را بپذيرد و همه كساني را كه در حال حاضر در عراق و كويت گروگان گرفته شده اند، آزاد كند.

برای ما هيچ چيزی كمتر از تحقق كامل قطعنامه هاي شوراى امنيت قابل قبول نيست. فقط بازگشت كويت به وضعيت پيش از ۲ اوت (زمان حمله عراق) می تواند به انزوای عراق پايان بخشد.
ما از همه كشورهاي جهان می خواهيم به نتيجاتي كه سازمان ملل عليه عراق در نظر گرفته است، جامه عمل بپوشند. ما خود متعهد شويم كه چه جداگانه و چه به صورت مشترك در زمينه اعمال كامل اين مجازات ها تلاش ورزيم. ايالات متحده آمريكا و اتحاد شوروی در عين حال قطعنامه ۶۶۱ شواري امنيت را كه در آن صدور مواد غذايي به كويت و عراق را به دليل انساني مجاز اعلام کرده است، به رسميت می شناسند. كميته اعمال مجازات مخوم دقيق توصيه در زمينه در نظر گرفتن دليل انساني را به اطلاع شوراى امنيت خواهد رساند.

علاوه بر اين ايالات متحده آمريكا و اتحاد شوروی در اين مورد توافق نظر دارند كه صدور مواد غذايي بايد به طور اكيد از جانب نهادهاي مسئول بين المللي تحت كنترل قرار گيرد تا اطمينان حاصل شود كه مواد غذايي به دست خود مردم رسانده می شود و به ويژه احتياجات كودكان را بر طرف می كند.
ما ترجيح می دهيم كه بحران به صورت مسالمت آميز بر طرف گردد. ما تا زمانی كه بحران بر طرف نشده عليه تجاوز عراق اتحاد نظر خواهيم داشت. ما به طور اكيد مصميم كه به تجاوز خاتمه بخشيم، اگر اقدامات فعلي موفقيت آميز نباشند، ما اين آمادگي را داريم كه در انطباق با منشور ملل متحد، تمهيدات ديگري را پيش گيريم. ما می خواهيم براي همگان روشن شود، كه تجاوز گري نمی تواند و نبايد كه بي پاسخ بماند. تا زمان تحقق اهداف قطعنامه هاي شوراى امنيت سازمان ملل متحد و به منظور نشان دادن اين كه تجاوز بي پاسخ نمی ماند، روساي دو كشور وزراي خارجه خود را موظف می كنند با كشورهاي داخل و خارج منطقه تمهيدات امنيتي لازم براي برقراري صلح و ثبات ايجاد و برقرار نمايند. تلاش فعال براي پايان بخشيدن به همه تخاصات موجود در خاور نزديك و خليج فارس داراي يك اهميت مركزي است. هر دو طرف پس از اين نيز همچنان با يكديگر مشاوره کرده و تمهيداتي در نظر می گيرند، تا ديريك فرصت مقتضي، ديگر آماج هفتنه در متن اين موضوع را، پيگيري نمايند."

كلاه شرعی برای سلمان رشدی!

كردن رشدی مقدمه ای است برای دوختن كلاه شرعی و رها نيدن گريبان حكومت فتحا از چنگ فتواي جنون آميز خميني و بر طرف كردن مانع "رشدی" از سر راه بعبود مناسبات با قرب. چرا كه ديوانگان شرها مسئول سخنان خود نيستند. به راستی كه سياست فتحا عين ديانت آنهاست.



هفته گذشته خبر گذاري آلمان به نقل از جيانی دوميکيليس وزير امور خارجه ايتاليا اعلام كرد كه ايران و كشورهاي بازار مشترك اروپا بر سر مسئله سلمان رشدی نويستنده انگليسي كتاب آيات شيطاني به زودی به توافق خواهند رسيد.
قرار است در سفر آتی ولايتی وزير امور خارجه رژيم جمهوری اسلامی به نيويورک برای شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد گفتگوهاي دو طرف برای پيدا كردن راه حل نمايي ادامه يابد. از سوی ديگر یکی از وابستگان جمهوری اسلامی در انگلستان اظهار داشته كه "سلمان رشدی" ديوانه است، به نظر می رسد كه ديوانه قلمداد

در هفته های اخير مفسران و سياستمداران مختلف جهان در باره اهزام نيروهاي آمريكايي به خليج فارس پس از اشغال كويت توسط عراق، اهداف اين لشكركشي، خطرات و ضرورت هاي آن اظهار نظر کرده و می كنند. در اين اظهار نظر ها از محافظه كار ترين نظرات كه خواهان حمله نظامی فوری به عراق و حل قاطع نظامی بحران

هنری کی سینجر:

بوش از گذرگاه بدون بازگشت عبور کرده است

توضیح: اين مقاله در روزهاي اول بحران نوشته شده.
تصميم شجاعانه پرزيديت بوش جهت استقرار نيروی نظامی بزرگی در عربستان سعودی در عين حال كه چشم اندازهاي پيروزی پديدار نمود، امكانات شكست را نيز فراهم نموده است. در حقيقت ايالات متحده از گذرگاهي عبور کرده است كه امكان بازگشت پس از آن مسدود است. به اين دليل بررسی دقيق امكانات موفقيت و شكست اهميتي بسزادارد.
شو راي امنيت سازمان ملل باتفاق آرا خواستار عقب نشيني نيروهاي عراقی و استقرار حكومت قانونی در كويت گرديد. در چنين شرايطی اگر عراق بتواند در كويت باقی بماند يا از طريق يك حكومت دست نشانده گنترل غير مستقيم خود را اعمال نمايد، نمايش نظامی آمريكا با شكست مختصانه ای روبرو گرديده است.

بأعراق و كويت ۴۰ درصد ذخاير نفت را در اختيار دارند و از طريق كاهش توليد قيمت نفت را در سطح جهاني تعيين كند.
ايالات متحده سه راه در برابر خود داشت: می توانست به شكل ياسبو آنچه را كه در سازمان ملل مورد اتفاق آراست تايد نمايد. می توانست از آنچه ديگر دموكراسي هاي صنعتی (كه بيش از ايالات متحده به نفت خاورميانه وابسته اند) متفقا انجام مي دهند حمايت نمايد و يا می توانست رهبری مخالفت با صدام را عهده دار گردد و كوشش نمايد حمايت بين المللی را برای تلاشی كه ايالات متحده در آن نقش اصلي را دارا در جلب نمايد.
دلايل متعددی برای احتراز از تصميمات ديگر وجود داشت. مد روز ترين استدلال اين است كه دفاع از منطقه مساله اهراب است. اما در نهايت نتيجه محل وقوع جرم نمی تواند نتيجه شكست مقاومت را تغيير دهد. همچنين از كشورهاي عرب حتی در همراهی با ديگران آنقدر قوی نيست كه بتواند ارتش عراق را شكست دهد. ارتشی كه در جريان جنگ طولانی آبدیده شده با پيشرفته ترين تكنولوژی نظامی توسط شوروی و فرانسه تجهيز گرديده و از كمك هاي اقتصادی دموكراسي هاي غربی منجمد ايالات متحده بهره مند گرديده است. چنين استدلالي در جهت ايزوله كردن آمريكا بالاخص در ميان محافظه كاران عمل می كند. اگر اين استدلال پيش رود منجر به كناره گيري آمريكا در زمانی كه مبارزه شرق و غرب با پيروزی به پايان رسيده می گردد.

كاييه بوش می بايست به اين نتيجه ميرسد كه هر چه بجز نقش رهبری كننده آمريكا می توانست سلطه عراق بر كويت را دائمی نموده و منتهی به از هم پاشيده شدن حكومت هاي معتدل منطقه از جمله مصر گردد.
پرزيديت بوش با تعهد نقش رهبری كننده ايالات متحده تصميم حساس ديگري نيز اتخاذ نمود. نقش نظامی می توانست در حد يك نيروی باز دارنده در دريا و يك نيروی محدود زمينی كه نشان دهد حمله به تاسيسات نفتی عراق به جنگ با ايالات متحده منجر ميگردد محدود باشد. بوش و مشاورينش تصميم به استقرار يك نيروی عظيم گرفتند.

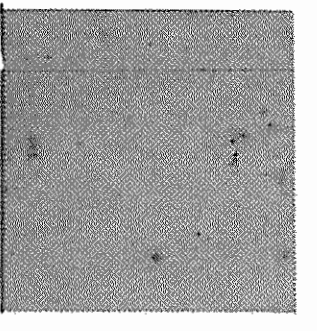
آنها (كاييه بوش) نبايد به حمايت وسيع ملی و بين المللی كه امروز از آن بهره مندند دلخوش كنند. عليرغم تمام اظهاراتي كه توسط روزنامه نگاران و سخنگويان دولت درباره احتمال پيروزی بيان می گردد، گذشت زمان قابل اعتماد بودن نقش آمريكايكاهش خواهد داد.
هر چه بحران بيشتر تداوم يابد موقعيت در خاورميانه بی ثبات تر خواهد گرديد. تاثيرات تبليغات ضد غربی عراق و ارتباط ماهرانه مساله كويت و فلسطين بر جهان حرب نبايد كم تخمين زده شود.

است تا نظراتی كه بر حل همومی بحران خاورميانه تاكيد دارند و آمريكا را از راه حل هاي ماجراجويانه بر حذر می دارند ابراز گرديد. در اينجا ما با بخش هايی از مقالاتی كه توسط چند تن از سياستمداران و مفسران برجسته غربی در اين رابطه انتشار یافته است جهت اطلاع از نظرات گوناگون در اين رابطه درج می كنيم.

كودتا در یکی از امارات يا خرابكاری در تاسيسات نفتی می تواند شوک ديگري به منطقه و اقتصاد جهان وارد نمايد.
می بايست همواره به خاطر داشت كه محك واقعی تحريم اين عراق از منطقه جلوگیری به عمل آيد بلكه در اين است كه چه حد از ورود كالابه عراق همانعت به عمل آيد. صادرات نفت عراق را می توان براحتی بلوكه كرد. اما مرزهاي عراق طولانی هستند و كمابيش كالاهایی مانند غذا می توانند نفوذ كنند و هر چه امكان اين اتفاق افزايش يابد بحران طولانی تر گرديده و تعداد بيشتری از همسايه هاي عراق به اين نتيجه می رسند كه ميتوان با ديكتاتور عراق همزيستی داشت. بحران شديد اما کوتاه مدت بيش از بحران معتدل و محاصره طولانی بسودهمه نيروهاي ذينفع است.

من در موقعيتی نيستم كه بدانم آیا تحريم می تواند در مدت زمان طرح شده در اينجا كارایی داشته باشد يا خير. من همچنين درك می كنم كه آمريكايی بايست اين ريسك را در نظر گيرد كه سياست تعرضی تر می تواند بخشی از حمايت كنوانی بين المللی را از بين برد و در صورت شكست آمريكا حمايت از وی وجود نخواهد داشت. ولی ايالات متحده از تحريم طولانی مدت بيشترين زيان را خواهد دید هر چند بيشترين تاثير اقتصادی اين امر بر اروپا و ژاپن خواهد بود.
عقب نشيني مفتضحانه آنچنان كه در لبنان صورت گرفت با هرگونه عقب نشيني كه ظاهراً تزيين شده باشد ولی اهداف آمريكا را برآورده نكرده باشد به نقش ثبات دهنده آمريكا در

تونی بن (از رهبران جناح چپ حزب كارگر)
كنفرانس صلح سازمان ملل
برای حل در گيري عراق
امروز حمايت گسترده ای از اعمال تحريم اقتصادی عليه عراق به عمل می آيد اما اشتياق گسترده ای نيز در شكل دهی نيروهاي نظامی خارج از سازمان ملل وجود دارد. سياستی كه خطر درگيري وسيعتری در منطقه راكه می تواند به نتايج غير قابل پيش بينی برای صلح جهانی منتهی گردد را افزايش می دهد.
می بايست امروز سازمان ملل مصممانه ابتكار برپايی كنفرانس صلح بين المللی را به كار گيرد كنفرانسی كه همه ملل منطقه و سازمان آزاديبخش فلسطين به آن دعوت شوند دستور كار كنفرانس بايد چنين باشد:
۱ - عقب نشيني فوری همه نيروهاي خارجی به مرزهاي پذيرفته شده بين المللی منطبق بر همه قطعنامه هاي سازمان ملل درباره خاورميانه و استقرار



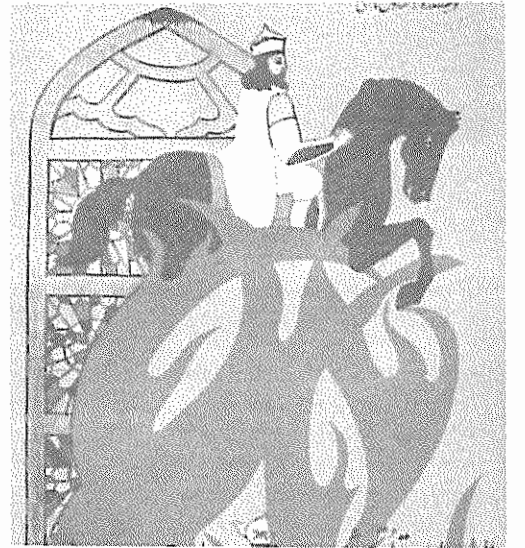
خاورميانه پايان خواهد بخشيد و هيچ كشور ديگري نمی تواند اين نقش را عهده دار گردد. اين امر ظرفيت دولت را برای فلبه بر بحران اقتصادی كه به طور اجتناب ناپذير در چنين شرايطی پديد خواهد آمد تضعيف می نمايد.
نادرست است كه تنها بر مشكلات آمريكا تاكيد نماييم. عراق كشوری است با ۱۶ ميليون جمعيت و شدت مقروض كه اخيرا جنگ با ايران را پايان داده و روابط خصمانه ای با ۴ همسايه از شش كشور مجاور خويش دارد. عراق در موقعيتی نيست كه بتواند درگيري درازمدتی را با آمريكا ادامه دهد. صدام حسين در جريان جنگ با ايران اثبات كرد كه هر گاه لازم باشد آماده مذاكره است. پيشنهاد اخيرا و كه حاضر به عقب نشيني از كويت البته با شرايطی و قبحانه است. می تواند آغازگر تلاشی برای مذاكره باشد كه در لافاه لاف زدن پوشيده شده پيشنهاد عقب نشيني می تواند در آينده مجدداً ظاهر گردد بدون اينكه در شكل بی معنی كنوانی طرح گردد.

اما ايالات متحده نمی تواند بپذيرد كه قريب بخورد و نمی تواند شكست را قبول كند. اگر به اين نتيجه برسيم كه ماحصل سياست محاصره اقتصادی و فشار ديپلماتيك بسيار نامعين است در آنصورت ايالات متحده نياز به بررسی جراحی تاسيسات نظای عراق را خواهد داشت. بخصوص از آن جهت كه اگر صدام حسين موقعيت خود را حفظ كرد، و ماشين نظامی وی بی آسیب باقی بماند اين موقعيت تنها يك فاصله و تدارك برای تعاجمات بعدی وی خواهد بود.

نيروهاي حافظ صلح سازمان ملل در كلييه مناطق بحرانی.
۲ - اعاده استقلال كويت، استقرار دولت فلسطين و تامين امنيت اسرائيل بر مبنای مرزهاي پذيرفته شده بين المللی و مذاكره جهت پيمان صلح پايدار مابين همه ملل منطقه.
۳ - استقرار صندوق توسعه سازمان ملل و هدايت پولی كه امروز صرف خريد سلاح می گردد در راستای نيازهاي مردم. امضاء قرارداد محدود كردن و كنترل تجارت بين المللی سلاح.
۴ - مذاكره برای تاسيس كنوانسيون نفت سازمان ملل جهت تضمين منافع عادلانه توليدكنندگان و تامين امنيت توليد نفت برای مصرف كنندگان، بررسی برنامه بين المللی توليد انرژی و كنترل كمپانی های نفتی.
مهران

نمایش "سوک سیاوش" در کزن

مهر داد کیمیایی



در هزاره فر دوسی، نمایشنامه "سوک سیاوش" به کارگردانی صادق هائنی در روزهای نهم تا چهاردهم سپتامبر در سالن کوچک کونست موله (Kunst mühle) اجرا شد. بازیگران این نمایش به ترتیب زیر بودند:

ایرج راد باسدالله
هادی اسلامی: اصغر آقا
مرجان گلچین: هروس
دلدار گلچین: مادر
محمد شیرازی: سهراب
نصرت طاهری: مظاهر: حسین
ساحل ساعت ساز: دختر خردسال اصغر آقا
مصطفی عبدالهی: مرشد رضا
حسین سحر خیر: پرویز شاگرد قهوه خانه
صدرالدین حجازی: یکی از سپاهپوشان
نمایشنامه "سوک سیاوش" در پایان نخستین شب برنامه سخنرانی‌هایی که بنیاد فرهنگی محوی در دانشکگاه کلن ترتیب داده (کنگره هزارمین سالگرد سرایش شاهنامه فر دوسی) بار دیگر به اجرا درآمد. دو روز بعد، در هامبورگ اجرا شد و قرار است از سوم اکتبر به مدت ۵ شب در مرکز لهستانی های شهر لندن در انگلستان نیز به اجرا آید.

در باره نمایش:
فضای نمایشنامه یک قهوه خانه سنتی است. اصغر آقا پدر سیاوش، مرد جا افتاده ای است که سالهای بسیار تقالی می کرده، مدتی شغل فراموشی یک مدرسه را به عهده داشته است و اکنون سالجاست که تقالی نمی کند و از شغل فراموشی هم اخراج شده. او اکنون صاحب قهوه خانه ای است که نمایشنامه در آن اتفاق می افتد. اسدالله تقریباً هم سن و سال اصغر آقا و از دوستان و یاران قدیمی اوست. اسدالله در گذشته در اجرای نقش‌های شاهنامه با اصغر آقا به نمایش تقالی میپرداخته است. سهراب مرد جوانی است که در نمایش‌های تقالی همیشه نقش سهراب پسر رستم را بازی می کرده و نیز تنبک نواز و ضرب زن نمایش‌ها بوده است. مرشد رضا نقال سیاری است که به روایت نمایشنامه، از سیستان بر می گردد و با خود خبرهایی از کسادبازار تقالی در دیار تهمتن دارد. قهوه خانه پاتوق این دوستان قدیمی است که هر از چندگاه گرد می آیند و از روز و روزگار باهم صحبت می کنند. پرویز شاگرد قهوه چی شوخ و با نمکی است که تماشاگر از دهان اوست که خبرهایی در باره حسین، کارگر قهوه خانه که بیشتر در انبار زیر زمین مشغول کار است، می شنود. همسر اصغر آقا (مادر) و همسر سیاوش (هروس) شخصیت‌هایی از نمایشنامه اند که پیش از سایر شخصیتها حامل بار عاطفی نمایشنامه این ها و دختر خردسالی (دختر اصغر آقا) که تنها در دو صحنه حاضر می شود، شخصیت‌های اصلی نمایشنامه را تشکیل می دهند. هنگامی هم که تقالی داستان مرگ سیاوش از دل زندگی آدم‌های بازی می جوشد، همین شخصیت‌ها باز یگر نمایش تقالی می شوند، و البته در این کار تعمدی است برای نشان دادن استمرار تراژدی سیاوش در زندگی کنونی.

تماشاگران از همان ابتدای نمایشنامه در می یابند که سیاوش پسر اصغر آقا کشته شده. چگونه؟ پاسخ روشنی در میان نیست. شاید در جبهه، شاید... نمی توان به گونه ای روشن بر آن انگشت گذاشت. اما در یکی از صحنه‌ها یک مسئله برای تماشاگر معلوم می شود: هروس اصغر آقا در صحنه‌ای می گوید که گور شوهرش بی نام و ناپیدا است:
"بارون همه سنگ هارو شست، گورش گم شد و ماهر جای زمین به دنبال گوری گمشده بودیم، سرگردان و آشفته."
و در همان صحنه مادر سیاوش یعنی همسر اصغر آقا می گوید:
"صدام زیر گنبد شهر پیچید، جز پژواک خبری نیومد، حس کردم می بینمش، حس کردم برگرد ستاره فلکی سواره و دور میشه،..."

تماشاگر تماماً مسحور فضای اساطیری شاهنامه نشود و ارتباط اساطیر را با واقعیت‌های دور و برش احساس کند از چند شیوه استفاده می کند. از این شیوه‌ها سه مورد را می توان به طور مشخص نام برد:

۱- استفاده از فن فاصله گذاری (شیوه ابدایی بر تولد برشت):

در تمام طول نمایشنامه از این شیوه به دفعات و با مهارتی خاص استفاده می شود. مثل نمونه‌های زیر:
"هنگامیکه اصغر آقا در چهره نقال شاهنامه ماجرای تولد سیاوش را شرح میدهد و می گوید: "ستاره شناسان سرنوشت سیاوش را شوم دیدند." ناگهان در فکر فرو میرود. و این دیگر نقال نیست، بلکه اصغر آقا است که نه به سرنوشت شوم سیاوش شاهنامه که به سرنوشت اندوهبار نرزد خویش اندیشه میکند.

* هنگامی که سیاوش در جنگ با نیروهای افراسیاب موفق به راندن نیروهای توران از مرز ایران می شود و برای تهمتن دل از کینه افراسیاب می شوید و سیاست صلح و دوستی با تورانیان را پیش میبرد، پدرش، کاووس شاه بر او خشم میگیرد و از پسر می خواهد که یا به جنگ ادامه دهد و اسیران جنگی به ایران فرستد تا کشته شوند یا سپاه به طوس بسپارد و خود باز گردد. سیاوش که از یکسو نمی خواهد پیمان صلح با افراسیاب را نادیده بگیرد و بی گناهان را به کشتن دهد و از سوی دیگر سپردن لشکر به طوس، خشم شاه و مکر سوادیه را برایش به همراه دارد، شدیداً با خویش و در افکار خویش درگیر است و فغان سر می دهد که "... رستم به سیستان بازگشته است، طوس در راه است و من تنها، از هر سوی بدی می تازد و من تنها، ای آسمان، ای دادار، ای امورا، برگو چه کنم."
در این جا یکباره نقال که اصغر آقا است به یاد فرزندش می افتد، نمایشنامه بافت تاریخی نمایش را از هم میدرد و اصغر آقا رانه به عنوان نقال که در چهره پدر سیاوش به سوی اسدالله و نه سیاوش می کشاند، دو دوست و دو همسر در آغوش در آغوش یکدیگر را می فشرند و اصغر آقا حرف سیاوش را برای اسدالله تکرار میکند.

اصغر آقا:

چه کنم؟ چه کنم؟

برای لحظه‌ای اصغر آقا و اسدالله دست یکدیگر را

میگیرند و در چشمان هم خیره می شوند اسدالله او را به ادامه

کار میفرستد.

۲- استفاده از افراد امروزی نمایش به جای شخصیت‌های اساطیری

در طول نمایشنامه بارها آن دسته از آدم‌های بازی که زندگی امروز را تصویر می کنند برای ارائه تصویر شخصیت‌های اساطیری شاهنامه به کار گرفته می شوند. برای نمونه:

* نقش ماهروی را که همان مادر سیاوش است، زن

اصغر آقا که مادر سیاوش امروزی است به عهده دارد.

* در صحنه نبرد سیاوش با دو تن از پهلوانان

توران، یکباره حسین (کارگر قهوه خانه) که سیاوش

آینده است به جای هنرپیشه ای که نقش سیاوش

اساطیری را بازی میکند قرار میگیرد. نویسنده و

کارگران بدین ترتیب تماشاگر را از فضای اساطیری

به فضای امروز و آینده می کشاند.

* در صحنه ای که سیاوش با همسرش فرنگیس

دختر افراسیاب خلوت کرده و از مشکلات و خطری

که جان سیاوش را تهدید می کند صحبت میکنند،

یکباره حسین با یک سطل پیاز، در حال عبور، بر

صحنه ظاهر میشود. وقتی به اسدالله که نقش سیاوش

را بازی میکند میرسد، اسدالله از قالب سیاوش بیرون

میآید و شغل سیاوش را به حسین میدهد و سطل را از

او میگیرد و میرود. و بقیه صحنه را حسین در نقش

سیاوش بازی می کند.

۳- ارائه صحنه‌هایی که هم اساطیری اند و هم امروزی

در سراسر نمایش، صحنه‌های متعددی هستند

که بخشی از هنرپیشگان در حال ارائه نقش اساطیری

هستند و بخش دیگر در حال و هوای امروزی سیر

می کنند. برای مثال:

* در صحنه‌ای که گرسیوز می‌کوشد تا کینه

سیاوش را در دل افراسیاب بکارد او را به جنگ با

سیاوش ترفیق کند، اسدالله و اصغر آقا نه در چهره

نقال، که در چهره دو دوست کنار یکدیگر نشسته‌اند

همان فضای قهوه خانه و زندگی امروزی را تصویر

می کنند.

* در صحنه ای که سیاوش به قتل می‌رسد، با صدای

دلدار گلچین در هاله‌ای غم‌انگیز و زیبا، شعر رهی

بقیه در صحنه

اسدالله:

آقا سهراب، شما دیگه چرا، تو که حال و روز مونو تو خوب

می‌بینی، چطور سیاوش اینجا نمی‌بینی، حسین رو نگاه کن،

انگار سیاوش جلوت و آینه‌ساده، مثل سبسی که از وسط دو

نمایش کرده باشن نیم اینجا و نیم در دریا

سهراب:

دنیا عجبیه

وقتی اصغر آقا متوجه تصمیم حسین می شود و

می فهمد که حسین برای ادامه راه پسرش سیاوش که

زندگی سیاوش شاهنامه را تکرار کرده بود مصمم

است، آهنگ نمایش به تدریج تغییر می کند: با صحنه

هایی از صحنه‌های مرشد رضا که در تصویر می‌کند

و نیز با نشان دادن صحنه گویایی که هروس در

تخیلات اصغر آقا می‌رسد که چرا او را از رفتن شوهرش

خبر نکرده و همچنین پرسش‌های مادر که "چرا

غذاشتی بره؟" "مقدمات زایش داستان سیاوش از

دل داستان سیاوش‌های امروز و فراد فراموش می‌شود.

اصغر آقا با دیدن رنگ چای آلبالویی که در دست

اسدالله است، خون سیاوش برایش تداعی می‌شود و

احساس می‌کند که دلش می‌خواهد نقل سیاوش را

بگوید و نمایش با ریتم رزمی وارد فضای داستان

سیاوش شاهنامه می‌شود. این یک تقالی ساده نیست،

که یک رستاخیز است بار ستاخیزی که در آن حماسه

سیاوش سه نسل، یعنی سیاوش‌دیز، سیاوش‌امروز و

سیاوش فر داتوا همان صورت می‌گیرد:

اصغر آقا:

من کیم؟ به فراش اخراجی، یک نقال بازنشسته، یک

گمشده، یا آقا اسدالله این چای آلبالوی تو، می‌بینی

اسدالله:

می‌بینم

اصغر آقا:

رنگش.

اسدالله:

می‌بینم

اصغر آقا:

انگاری خون سیاوشه

اسدالله:

برمیگرده

اصغر آقا:

نه

اسدالله:

اصغر

اصغر آقا:

دیگر برگشتی نیست

اسدالله:

از کجا میدونی

اصغر آقا:

از اینجا که دل می‌خواه نقلشو بگم، مثل اون موقع‌ها با من بیا،

مثل اون سالها، تمام نذار. با هم نقلشو می‌گیم، دل دیگه

طاقت نداره، مشتریها خیلی وقته که منتظرن

اسدالله:

دل با تونه اصغر آقا، این دل ساهاست که با تونه

... ضربیه‌ی از تنبک سهراب..

از این پس اگر چه نمایش با ریتم و آهنگی رزمین و

رد فضای شاهنامه می‌شود و داستان سوگ سیاوش را

باز می‌گوید، اما نویسنده و کارگردان کوشیده‌اند

هیچگاه اصغر آقا و سوگی که از سیاوش خویش بر دل

دارد، و نیز بیم و امید، قهوه خانه در اندیشه اش دور

میزند، فراموش تماشاگر نشود.

نویسنده و کارگردان نمایشنامه برای آنکه

یادش فراموش می‌شود:

اصغر آقا با گفتن "سیاوش... می‌خواهد

بگوید که حسین هم مثل سیاوش دارد می‌رود و این

همان قرینه سازی زندگی سیاوش پسر اصغر آقا در

حسین است. و بلافاصله مرشد رضا شرایط رفتن

حسین و سیاوش را تصویر می‌کند: "صعب روزی

بوالعجب کاری، پریشان عالمی! این قرینه سازی و

یادشابه زندگی، در گوشه دیگری از نمایش با تاکید

بیشتری گفته شده است. در اعتراض اسدالله به

سهراب تنبک زن که می‌گوید قیافه سیاوش دیگر از

یادش فراموش می‌شود:

اصغر آقا:

(کاملادرخود) سیاوش... (ومی‌نشیند)

اصغر آقا با گفتن "سیاوش... می‌خواهد

بگوید که حسین هم مثل سیاوش دارد می‌رود و این

همان قرینه سازی زندگی سیاوش پسر اصغر آقا در

حسین است. و بلافاصله مرشد رضا شرایط رفتن

حسین و سیاوش را تصویر می‌کند: "صعب روزی

بوالعجب کاری، پریشان عالمی! این قرینه سازی و

یادشابه زندگی، در گوشه دیگری از نمایش با تاکید

بیشتری گفته شده است. در اعتراض اسدالله به

سهراب تنبک زن که می‌گوید قیافه سیاوش دیگر از

یادش فراموش می‌شود:

اصغر آقا:

(کاملادرخود) سیاوش... (ومی‌نشیند)

رای شرکت در بازی های آسیایی

کاروان ورزشی ایران به پکن می رود

بسکتبال، شمشیربازی و وزنه برداری در مسابقات حضور دارد. تنها تیم بانوان ایرانی را تیم تیراندازی تشکیل می دهد. در حاشیه

در ژیم چ. ا. پس از یکدوره بی توجهی کامل نسبت به پیروزی و کسب مدال، اکنون شدت برای پیروزی و کسب مدال تبلیغ می کند و می خواهد پیروزیهای ورزشکاران را به حساب درستی سیاست ورزشی خود بگذارد. بدین منظور بازار تشویق و پاداشهای مادی هم گرم است. بانک تجارت اعلام کرد که به ورزشکارانی که مدال نقره و یا برنز بیاورند یک سکه بهار آزادی جایزه خواهد داد.

بکشتی و فوتبال و تاحدودی دو چرخه سواری، رشته هایی هستند که برای پیروزی در آنها امیدهای زیادی وجود دارد. تیم کشتی ایران با کسب ۳ مدال در مسابقات جهانی نشان داد که هنوز هم می تواند قدرت اول آسیا باشد. تیم ملی فوتبال نیز با دو پیروزی پی در پی بر تیم بلجستان در آستانه سفر به چین،

ل بر اطلاع خبرگزاری وری اسلامی، کاروان شی ایران با ۱۷۰ ورزشکار، و سرپرست روز یکشنبه ۲۵ یور ماه هازم پکن شد تا در همین دوره مسابقات آسیایی ت کند. کاروان ورزشی ن را گروه کثیری همراه، ل مسئولان ورزشی، داوران، نگاران و مامورین انتظامی اهی می کنند. این بزرگترین وان ورزشی است که پس از ب به میادین بین المللی ستاده شده است. مطابق گفته س کمیته ملی المپیک ایران تا از پرواز کاروان به پکن ۶۰۰ یون ریال هزینه تدارکات های ایرانی شده است. اکنون منتظر بود و دید تا کاروان گ و پر خرج کشورمان از جای آسیایی چه به ارفغان اهدا آورد.

تیم ایران در دو و میدانی، دو، بوکس، قایقرانی، فوتبال، تی آژاد، کشتی فرنگی، چرخه سواری، شمشیر، رپلو، تنیس روی میز،

امیدهای زیادی را برانگیخته است.

وزنه برداری ایران که زمانی حرف اول را در آسیا می زد اکنون در بدترین شرایط قرار دارد و با یک تیم ناقص به پکن می رود. هیچ کس به این تیم امیدی ندارد. مسئولین می گویند این به خاطر آن است که همه وزنه برداران درجه یک به دلیل دوپینگ کنار گذاشته شدند. اما واقعیت آن است که وزنه برداری ایران بدلیل بسیار همیق تر در شرف نابودی کامل است.

بازرشته های پرطرفدار، جای شنا و والیبال مادر پکن خالی است. شناگران ظاهرا بدلیل نتایج ضعیف در کسب رکورد از شرکت در بازیهای آسیایی محروم شده اند.

به فیراز خبرگزاری جمهوری اسلامی و رادیو و تلویزیون، ۱۵ نشریه به پکن خبرنگار فرستاده اند. خیل عظیم و بی سابقه خبرنگاران نشانه ای است از اهمیت بازیهای آسیایی و انعکاس آن در مطبوعات کشورمان.

تیم ایران به مقام چهارم کشتی جهان دست یافت

* مجید ترکان مدال طلا گرفت

بست و معتمین دوره مسابقات جهانی کشتی آزاد، یکشنبه شب ۱۹ شهریور ماه به پایان رسید. این مسابقات در توکیو پایتخت ژاپن انجام شد و کشتی گیران بیش از ۴۰ کشور جهان در آن شرکت کردند. این مسابقات به روال معمول با تعمرانی تیم ملی کشتی آزاد شوروی پایان یافت. شوروی ها سالهای متعددی است که قهرمان کشتی آزاد جهان هستند. در این مسابقات شوروی به ۴ مدال طلا دست یافت. کوبا ۲ مدال طلا گرفت و تیم های ایران، بلغارستان، چکسلواکی و امریکا نیز هر کدام یک مدال طلا کسب کردند.

تنها چهره طلایی تیم کشتی ایران مجید ترکان در وزن ۵۲ کیلوگرم بود. وی در دیدار فینال در یک کشتی عالی با نتیجه ۸ بر ۲ و آنتین یوروانف، کشتی گیر بلغاری و قهرمان ۴ ساله جهان را شکست داد. مجید ترکان به عنوان ستاره مسابقات جهانی توکیو معرفی شد. علاوه بر مدال طلای پر ارزش ترکان تیم ایران در وزن های ۷۴ و ۹۰ کیلوگرم نیز به ۲ مدال برنز دست یافت. در ۷۴ کیلوگرم امیر رضا خادم با پیروزی ۷ بر صفر مقابل کشتی گیر رومانیایی مدال برنز به گردن آویخت. حسن محبی ملی پوش ۹۰ کیلوگرمی ایران دیدار رده بندی را با حساب ۴-۳ بر حریف آلمان غربی پیروز شد و برنز گرفت.

از بدشانسی های تیم ایران حذف مسگری محمدیان نایب قهرمان سابق جهان و المپیک بود، که در میان ناباوری همگان در دوره های مقدماتی صورت گرفت. هم چنین علیرضا سلیمانی قهرمان ۱۳۰ کیلوگرمی جهان در سال گذشته، در آستانه مسابقات اعلام کرد که بدلیل آسیب دیدگی قادر به شرکت در مسابقات نیست! این عمل سلیمانی با واکنش تند و اعتراض مجامع ورزشی ایران مواجه شد. به جای سلیمانی رضا سوخته سرای قهرمان سابق جهان روی تشک رفت و علیرغم نداشتن آمادگی و سن زیاد، شرافتمندانه کشتی گرفت. سوخته سرای در وزن خود هفتم شد و ۳ امتیاز حساس برای تیم ایران به ارمغان آورد.

کنار نام کشتی گیران ایران در توکیو ۴۸ کیلوگرم: زینل نیا تنها با یک شکست مقابل کشتی گیر آلمان غربی از دست یابی به مدال محروم

۸۲ کیلوگرم: محمد حسین محبی پس از چهار کشتی با دو باخت و دو برد از ادامه مسابقات محروم شد. محبی به حریفان شوروی و چکسلواکی (برنده مدال طلای این وزن) باخت و کشتی گیران سری لانکا و فرانسه را شکست داد.

۹۰ کیلوگرم: حسن محبی مسابقه سرگروهی را ۵-۸ مغلوب خادار اتسوف قهرمان جهان و المپیک شد و در دیدار رده بندی اشیدر از آلمان غربی را شکست داد و به مدال برنز دست یافت.

۱۰۰ کیلوگرم: جعفر خدایی بعد از ۳ پیروزی و یک شکست در برابر اراوسکی از لهستان قرار گرفت و ۲-۴ به او باخت. خدایی در گروه خود سوم شد و در دیدار رده بندی نیز شکست خورد و ششم شد.

۱۳۰ کیلوگرم: سوخته سرای در دور اول به کشتی گیر امریکا باخت. وی سپس حریف چینی را ۵-۰ شکست داد و بر رقیب لهستان و مجارستان نیز به پیروزی رسید. او در دور چهارم در وقت اضافی به چکسلواکی باخت. آخرین مسابقه سوخته سرای در برابر باربوتوف بلغاری بود که سوخته سرای ۴-۰ صفر شکست خورد و به مقام هشتم رسید.

رتبه	کشور	مدال	امتیاز
۱	شوروی	یک طلا	۸۰
۲	آمریکا	یک طلا	۷۳
۳	بلغارستان	یک طلا	۷۲
۴	ایران	یک طلا	۴۱
۵	ترکیه	—	۳۸
۶	کوبا	دو طلا	۳۳

* رده بندی نهایی

۱- شوروی	یک نقره	سه برنز	۸۰
۲- آمریکا	سه نقره	یک برنز	۷۳
۳- بلغارستان	پنج نقره	—	۷۲
۴- ایران	—	دو برنز	۴۱
۵- ترکیه	—	یک برنز	۳۸
۶- کوبا	—	یک برنز	۳۳

ورزشگاه آزادی در خطر ویرانی

بنا به گزارش نشریه کیهان ورزشی، ورزشگاه آزادی در خطر ویرانی قرار گرفته است. این ورزشگاه ۱۷ ل پیش در جریان بازیهای آسیایی تهران افتتاح گردید و مورد بهره برداری قرار گرفت. مجموعه ورزشی آدی که با صرف هزینه های هنگفت احداث گردید یکی از بزرگترین و کم نظیرترین ورزشگاه ها لاقل در سطح به آسیاست. این ورزشگاه بزرگ تنها ۱۷ سال پس از تاسیس روه فرسایش و ویرانی نهاده و بی توجهی مسئولان ورزشی رژیم نسبت به ترمیم خرابی ها و بازسازی آنها این فرسایش و ویرانی را به یک خطر جدی برای ی این ورزشگاه بزرگ تبدیل کرده است.

ورزشگاه و مجموعه ورزشی آزادی با امکانات فراوان و گسترده خود سرمایه بزرگ ورزش کشور ماست، رمایه ای که اگر از دست برود، دوباره بدست آوردن آن، بویژه در شرایط حاکمیت رژیم بی لیاقت فعلی امری عال و ناممکن است. رژیم جمهوری اسلامی با همه سرمایه های کشور ما چنین کرده است. نه تنها خود چیزی بر مانیفز و ده، بلکه آنچه را که بوده نیز به سمت نیستی و نابودی کشانده است.

ما نیز به سهم خود با هشدار مطبوعات ورزشی ایران، برای نجات این مجموعه بزرگ و یگانه ورزشی نورمان مهندسی شویم.

شطرنج قهرمانی ایران

سکتبال جوانان آسیا:

تیم ایران دهم شد

تیم ملی بسکتبال جوانان بران در یازدهمین دوره سابقه های قهرمانی آسیا به مقام هم رسید. این مسابقات در نیمه ل شهر یورماه در شهر نایبای اپن برگزار شد. در قسمت بران ۱۳ کشور تیم های خود را، این مسابقات فرستاده بودند. تیم ایران در مسابقات مقدماتی با یم های فیلیپین و هنگ کنگ هم روه شد و هر دو مسابقه خود را اخت. جوانان ایران در برابر یلیپین ۱۱۴ بر ۶۷ و در برابر نگ کنگ ۷۱ بر ۶۲ شکست خوردند. و نتوانستند جزو ۸ یم اول آسیا قرار گیرند. در حله دوم ایران برای کسب یکی ز مقام های نعم تا سیزدهم مسابقه با تیم های هندوستان، سری لانکا و کره جنوبی برگزار ترد. دو مسابقه اول با نتایج ۶۹-۶۷ و ۶۷-۶۴ به نفع تیم ایران تمام شد. بسکتبالیست های ایران در آخرین مسابقه خود ۱۱۹ بر ۵۱ مغلوب کره جنوبی شد و به مقام دهم رسید. بسکتبالیست های اپن و سوریه مقام های اول و دوم این مسابقات را بدست آوردند.

در قسمت بانوان که با حضور ۱۰ کشور برگزار شد، ختران کره جنوبی با پیروزی بر اپنیها، به عنوان قهرمان آسیا ست یافتند. تیم ایران در قسمت نوان شرکت نداشت.

بیست و سومین دوره المپیک ارمنه

میکنند. بانوان در رشته و آتایان در ۱۰ رشته ورزشی با یکدیگر مسابقه میدهند. بازیهای امسال ارمنه ایران با یاد جان باختگان زلزله اخیر کشورمان برگزار میگردد.

آغاز مسابقات فوتبال منطقه ای ایران

مسابقات فوتبال منطقه ای ایران روز جمعه ۱۶ شهریور با انجام ۱۳ مسابقه آغاز شد. این مسابقات با شرکت ۳۲ تیم و در چهار منطقه برگزار میشود و منظور از آن گزینش تیمهای دسته اول، دوم و سوم مسابقات باشگاههای کشور است. از ۳

بقیه از صممه ۴

معیری: "چو کاروان رود، فغانم از زمین بر آسمان رود، دور از یارم، خون می بارم" که بنان آن را خوانده بود به گوش می رسد. این صدا و این موسیقی تماشاگر را از فضای اساطیری به فضای امروزی می کشاند.

اگر کل نمایشنامه را به دو بخش، بخشی که زندگی امروزی را نشان می دهد و بخشی که وارد فضای اساطیری شاهنامه می شود تقسیم کنیم، باید گفت که قسمت دوم نمایشنامه در ارتباطی کاملا نزدیک با بخش اول و گاه به صورت آمیزه ای با آن ادامه می یابد، تماشاگر هیچگاه اسفرا تا را از نقل و رستم جدا نمی کند، هیچگاه اسدالله را از سیاوش شاهنامه، سیاوش شاهنامه را از حسین و از سیاوش اصغر آقا و ... جدانمی بیند.

تماشاگر در می یابد که اسطوره ها از زندگی جویشده اند و زندگی نیز تحت تاثیر اسطوره ها است. استفاده مناسب از آواز و موسیقی (تنبک و ضرب زورخانه ای) در ایجاد ارتباط نقش مهمی ایفا کرده است. ریتم در صحنه ها نقش شگفتی دارد. صدای مصطفی مبدالهی (مرشد رضا)، و دلدار گلچین (مادر) در حد نرپیشگان تاثیر کم نظیر است. همینطور ضرب و تنبک محمد شیرینی. در همینجا بجاست که از انتخاب مناسب بازیگر توسط کارگردان یاد کنیم - بازیگرانی که همگی ظرفیت صدایی بالایی دارند و خوش آوازند. هر چند که این کار می توانست با کمک آهنگسازان برجسته ای که در ایران هستند از نظر فضا سازی با موسیقی، ارزش های بیشتری داشته باشد.

از بازی های قوی همه هنرپیشگان و بویژه از بازی استادانه ایرج راد و هادی اسلامی باید یاد کرد و بر آنها ارج گذاشت.

نمایش سوگ سیاوش با مویه های مادر سیاوش (زن اصغر آقا) که در کنار پیکر خونین سیاوش

اساطیری ندبه سر می دهد پایان می گیرد. این ندبه ها آشناست و طنینش قلب تماشاگران را به لرزه می افکند و بار دیگر هلامت سوال بزرگی در ذهن تماشاگر ترسیم می کند که سیاوش کیست؟

مادر: دلدم دریا دلدم دریاست امشب میون سینهام غوغاست امشب همه راهها پر از گرگ و شغال عزیزم در سفر تنهاست امشب - مادر به اصغر آقا میرسد لحظی بالای سرا می ایستد - تو حیاط سیاوشان زده، باغچه پر سیاوشان شده، نمی خوای ببینی؟ نمی خوای بیای خونه - ضربه طبل عروس و همه چیز فیکس می شود.

بدین ترتیب داستان سیاوش شاهنامه فر دوسی، شرح سوگ دردالوده انسانهایی می شود که سیاوش های دیروز و امروز و فردای جامعه هستند. این که چرا از میان شخصیت های اسطوره ای و حماسی شاهنامه، سیاوش انتخاب شده است، خود نکته ای در خور توجه است. مثلا چرا کاوه و یارستم برای زنده کردن شاهنامه انتخاب نشده اند؟ زیرا که هم رستم و هم کاوه در همین آزاد مردی و ستم ستیزی، در همین نیکخواهی و انسان دوستی و ... نماد ستیزه جویی و کین خواهی نیز بوده اند. هر چند این کینه ها و ستیزه جویی ها متوجه دشمنان ایران بود. سیاوش اما، در همین رزمندگی، حتی کینه دشمنان را نیز در دل نمی پرورد. او مظهر نیکخواهی، انسان دوستی، عشق ورزی، صلح دوستی و آزاد اندیشی است. سوگنامه سیاوش تنها نقل اسطوره و تاریخ که روئیه مکرر سرنوشت های جاری است. حکایت سرنوشت جان های شیفته و بیداری است که در ظلام استیلا کاووسها و افراسیاب ها، از موازین بشر دوستانه و اخلاقی روی نمی گردانند. سیاوش نماد عنصر پویای نوین ترین اندیشه های بشر دوستانه امروز است.

جهان سوم

در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب

اکثریت

دگرگونی دیدگاه‌ها در ادبیات کودکان و نوجوانان

همچنین در کتاب اتمار فرانس به نام "گروم - گروم نرو" (۱۹۸۴) نیز مسئله کمک قرب برای توسعه جهان سوم مضمون محوری است. نویسنده به رقم گرایش شدیدش به اروپا - مرکزی از اشاره به پیامدهای منفی کمک‌های کشورهای اروپایی نیز غافل نمی‌ماند: "بزرگترین اشتباه همانا تلاشی است که در جهت تصمیم دادن روابط و مناسبت اروپایی در جهان سوم انجام می‌گیرد، اما اینجا آفریقا است و ما قادر نخواهیم بود که از آن اروپایی دیگری بسازیم. اگر هم به این کار توفیق یابیم آنچه که ساخته خواهد شد سخت دهمشتاک خواهد بود."

در این کتاب به کشورهایی که در حال توسعه هستند، کشورهای آسیایی همچون ژاپن، بیمارستان و فعالیت پزشکان اروپایی در گروم - گروم تأکید شده است. اما اتمار فرانتس در کتاب خویش با درم زدن از شایستگی انحصاری سفیدپوستان برای پیشرفت و ترقی تفرور پوشیده و قلم‌نویس خود را نیز به نمایش می‌گذارد.

در میانه دهه هشتاد با آشکار شدن ناسودمندی و بعضاً نقض فرض بودن کمک‌های رایج غرب برای حل دشواری‌های جهان سوم، تأثیر و حضور زیانمند این مقوله در ادبیات کودکان نیز کاستی گرفت. در پیامد این فرآیند درون‌نمایه داستان‌های نوجوانان نیز از هر باره دستخوش دگرگونی شد و انسان جهان سوم که تا آن زمان در ادبیات نوجوان نقشی فرعی و حاشیه‌ای داشت به عنصر اجتماعی فعالی فراروید که سرنوشت خویش را خود رقم می‌زند. اما دیدگاه نوین در ادبیات کودکان نیز در متن خود ماری از تناقض نیست. اگر در گذشته تکرر دیدگاهی اروپایی در ادبیات نوجوانان با استناد به اروپایی بودن شخص اول داستان قابل توجه و پذیرفتنی بود، لیکن نویسنده دهه هشتاد جهان شخصیت اصلی آثارشان جهان سوم و برخاسته از فرهنگی متفاوت است باید که ضرورتاً دیدگاه اروپایی خویش را به کناری نهد و از روزنه فرهنگ و تجارب شخصیت‌های آثارشان به رویدادها و پدیده‌ها بنگرند، امری که بغایت دشوار و صعب است. این نویسنده‌ها ضمن بذل توجه به واقعیات بیرونی باید با ارائه و پرداخت خوب روحیات و رفتار انسان جهان سوم خواننده را به شناخت فرهنگ گونه‌گون جهان سوم نیز رهنمون شوند و همینجا است که تناقضی ناگشودنی پدیدار می‌شود، زیرا به رقم دقت و طرافت بسیار نویسنده اروپایی، باز هم اثرش چه به لحاظ مضمونی و از جنبه سبک و ساختار مهر و فرهنگ اروپایی را برخواهد داشت. از همین روست که بحث‌های مربوط به کمک‌های غرب به جهان سوم در آثار نویسندگان دهه هشتاد نیز کمابز یکی از محورهای عمده است، با این تفاوت که کمک از خارج به شیوه سابق نمی‌شود و "خودیاری" کشورهای جهان سوم خودبازیران می‌شود، اما این "خودیاری" به شیوه‌ای گنگ و مبهم مطرح می‌شود و شمای روشنی از آن ارائه نمی‌گردد.

چنین مشکلی را برای مثال در کتاب رودیگر پیرت موسوم به "اسپرانتسا یعنی امید!" (۱۹۸۸) می‌توان مشاهده کرد! دهکده اسپرانتسا واقع در فیلیپین نیز از شمول کمک‌های غرب بی بهره نمی‌ماند و تعدادی ساکن سغری ساخت آمریکا نیز نصیب آن می‌شود. مواد غذایی داخل این ساکنها قبلاً از سوی دلالان ذینفع تصاحب شده و به قیمت گزاف در بازار سیاه به فروش رفته است. رامون، شخصیت اصلی رمان اخلاقی آتای زبیرت، ناظر استثمار و حشیانه

فرستادگان این جنبش به جهان سوم سهم ویژه‌ای را در ادبیات کودکان و نوجوانان به خود اختصاص داده است. بسیاری از نویسندگان در کتاب‌های کودکان و نوجوانان در دهه هفتاد همانا فرستادگان این جنبش، وابستگان آنها و یا همکاران سازمان‌های دیگر کمک به توسعه کشورهای جهان سوم می‌باشند. برای مثال همه کتاب‌های کودکان و نوجوانان که در دهه هفتاد از سوی انتشارات "پتر هامر" انتشار یافته‌اند، از سوی کسانی نوشته شده‌اند که در چهارچوب جنبش نامبرده به کشورهای جهان سوم گسیل شده‌اند. آموزه‌ها و ارزیابی‌های سیاسی از عناصر مهم درون‌نمایه‌های این آثار هستند.

ویژگی کتاب‌های موجود کودکان و نوجوانان که در دهه هفتاد انتشار یافته‌اند و درون‌نمایه‌شان به مسائل جهان سوم برمی‌گردد، را می‌توان چنین توضیح داد: در کتاب‌های جوان نگاه شده برای خوانندگان جوان توصیف فرهنگ و زندگی مردم جهان سوم محور اصلی است. در این آثار اولین نماها و نگاره‌های زندگی در جهان سوم از دید یک نوجوان بومی بازگو می‌شود. طرح‌ها و یا همکارها در هماهنگی موزون با متن جا داده شده‌اند. این کتاب‌ها بیشتر از سوی سازمان‌های کمک به جهان سوم و با هدف کاربرد در کودکان و مدارس انتشار یافته‌اند.

مددکاران جهان سوم به عنوان قهرمان

در ادبیات داستانی نوجوانان منتشره در دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد تشریح انگیزه کسانی که برای کمک به جهان سوم روانه می‌شوند، جایگاه ویژه‌ای یافت. این "قهرمانان" اروپایی که ابتدا با احساس مسئولیت و با کمال میل روانه جهان سوم شده بودند، کسی بعدتر در داستان‌های نوجوانان در نقش قهرمانان "شکست خورده‌ای" ظاهر شدند که درباره دوستی اقوام خویش مبعوث و مرود بودند. چنین درون‌نمایی‌ها را می‌توان برای مثال در کتاب ویلی فرمان به نام "ماجرا در چنگال پلنگ" مشاهده کرد:

آندریاس، مددکار جوانی است که در کار ایجاد یک کارخانه فولاد در هند که با سرمایه غرب انجام می‌گیرد، همکاری می‌کند. یک روز او درمی‌یابد که کارگران هندی نگران و پریشان خاطرند. چند هفته‌ای است که از "باران بزرگی" که هر سال می‌بارد، خبری نیست و کشور را خشکسالی و تحلی تهدید می‌کند. گروهی از بنیادگرایان مذهبی با سوءاستفاده از این وضعیت مانع ایجاد کارخانه فولاد می‌شوند، زیرا که به باور آنها، رفاہ نابودی مذهب را در پی دارد و ایجاد صنعت آغاز رفاہ و گشایش در زندگی مردم است و همانا این کارخانه فولاد نفرین و غضب خداوند را متوجه آنان ساخته است. یکی از مهندسين کارخانه ر بوده می‌شود و باید که در راه پروردگار "شیوا" قربانی شود. آندریاس و پسرش توطئه را درمی‌یابد. ساختمان کارخانه فولاد متوقف می‌شود و آندریاس به همراه پسرش که در هند به گذرانند دوره آموزشی مشغول می‌باشند، به آلمان باز می‌گردند. آنگاه نویسنده این کتاب گرسنگی، فاجع طبیعی، ناگهانی و علل بینادگرایی مذهبی - عقل عقیم‌ماندگی اقتصادی هند به شمار می‌آیند و گشاینده این دشواریها هم کشورهای صنعتی غرب هستند.

دوباره بافت. در اثر مارلن رایدل به نام "سفر دور دنیای گاز میر" که جایزه کتاب نوجوانان را از آن خود ساخت، حکایت آدم خواری آفریقاییان دوباره هلم می‌شود. بنا به نوشته کتاب گاز میر همینکه یا به آفریقا می‌گذارد به وسیله آدم‌خواران گرسنه شکار می‌شود. پس از انتشار کتاب رایدل مضمون آن بارها از سوی نویسندگان دیگر به وام گرفته شده است، با این تفاوت که گاز میر دیگر نه از سوی آدم‌خواران بلکه بوسیله مسافران شکار می‌شود. البته بسیاری از نویسندگان کودکان و نوجوانان از چنین مضامینی دوری جستند. در بسیاری از آثار نگاشته شده در باره شخصیت و کارهای جهانگردان پژوهشگر نویسندگان مضامینی دوری جستند. در روایت‌های قدیمی رادر نگاشته شده در باره شخصیت و شکل و ساختاری نوین هر ضه داشته‌اند. در میان چنین نویسندگانی می‌توان از هانس اتومایز و کورت لوتکن نام برد.

ادبیات نوجوانان متأثر از "جنبش جهان سوم"

یک بررسی موشکافانه در کتاب‌های نوجوانان منتشره در دهه ۶۰ و ۷۰ نشان میدهد که در این محدوده زمانی نزدیک به ۹۰۰ اثر درباره جهان سوم انتشار یافته‌اند. البته چاپ دوباره برخی آثار قدیمی را نیز باید در این رقم به شمار آورد. این بررسی آشکار می‌سازد که جهان سوم در بسیاری از این آثار بادی اروپا - مرکزی (eurozentrisch) نژادپرستانه و خودبینانه پرداخت و ارائه شده است. انسان‌های آفریقایی در بسیاری از این آثار در جایگاهی پست و فرودست قرار داده شده‌اند و از آنها سیمایی بی‌فرهنگ، نادان و بی‌تمدن و وحشی ارائه شده است. تنها نویسندگان شمار اندکی از کتاب‌های مورد مورد بررسی (که بخشی آلمانی و بخشی اهل دیگر کشورهای اروپایی هستند) تلاش ورزیده‌اند که پرداختی واقعگرا و بی‌فرضانه از انسان جهان سوم به دست دهند.

در دهه هفتاد همراه با اوج‌گیری جنبش دانشجویی در اروپا طرح هر چه بیشتر درون‌نمایه‌های اجتماعی در ادبیات کودکان و نوجوانان به خواستی فراگیر بدل شد. طرح و پرداخت هر چه بیشتر مسئله جهان سوم در ادبیات کودکان و نوجوانان نیز که تا آن زمان مسئله‌ای فرعی به شمار می‌رفت، از پیامدهای همین روند بود. در آثاری که از آن پس نگاشته شده‌اند (و در آنها جهان سوم نه به عنوان صحنه ماجراهای همچنان انگیز طرح و پرداخت شده است) اهداف چندی را می‌توان باز شناخت: در این آثار تلاش شده است که توجه و حساسیت جوانان به ساختار نا عادلانه جهان سوم برانگیخته گردد و جایگاه و نقش جوانان در جوامع صنعتی در رابطه با مسئله جهان سوم تشریح و بازگو شود. در همان حال کوشش شده است که خواننده به آگاهی بیشتری نسبت به فرهنگ‌های جهان سوم دست یابد و همسانی و شباهت‌های زندگی روزمره مردمان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را بازشناسد.

طرح موضوع جهان سوم در ادبیات کودکان و نوجوانان از سوی جنبش موسوم به "جنبش جهان سوم" در آلمان غربی نیز بی‌ارتباط نیست. این جنبش از سوی دولت آلمان غربی با هدف باصلاح کمک به توسعه جهان سوم سازمان داده شد. تجارب، دیده‌ها و یافته‌های

روند پر تحول و گونه‌گون توصیف جهان سوم در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب مضامینی همچون ارائه تصاویر از کشورهای جهان سوم، بیان عجیب و شگفتی‌های آنها، شرح جریان‌ها و سیاست‌های استعماری و کمک‌های بی‌ثمر غرب به این ممالک را شامل می‌شود. در طول سده‌های اخیر شرح و پرداخت وحشیگری و نامتمدنی اهالی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین محور اصلی ادبیات کودکان و نوجوانان در غرب بوده است. آثار نویسندگان مختلف گرچه دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند، اما همه آنها در نهایت از مضمون مشابهی برخوردارند.

تاکنون دانیل دفو نویسنده کتاب "روینسون کروزو" نماینده کلاسیک ادبیات کودکان و نوجوانان به شمار می‌آمده است. روینسون کروزو که در سال ۱۷۱۹ انتشار یافت به بزرگترین رمان ماجراجویی قرن هجدهم تبدیل شد، به گونه‌ای که بسیاری از نویسندگان متأخر ادبیات نوجوانان به سبک و سیاق آن تاسی جستند. تصویر و ارائه زندگی انسان نامتمدن در میان طبیعت وحشی که درون‌نمایه رمان روینسون کروزو بود، توجه و شگفتی بسیاری از معاصران را برانگیخت. اما در قرن نوزدهم ارائه و پرداخت سیمای "وحشی اصیل" که به هیچ معیار اخلاقی پایبند نبود، خریدار و رونق چندانی نیافت. اینک "وحشی اصیل" تنها به آن چیزی اطلاق می‌شد که از چهارچوب معیارها و موازین تمدن اروپایی فراتر نمی‌رفت. این شیوه اندیشگی را می‌توان در آن دسته آثار ادبی نوجوانان که در نیمه دوم سده نوزدهم به زندگی سرخپوستان پرداخته‌اند، مشاهده کرد. تقسیم سرخپوستان (با معیارهای اروپایی) به دو گروه خوب و بد بیانگر احساس متناقض و دوگانه نویسنده‌گانی همچون کارل مای، فریدریش گرشترک یا گابریل فری در برخورد با انسان‌های نامتمدن آمریکای شمالی است.

در حالی که سیمای سرخپوستان آمریکای شمالی در ادبیات کودکان و نوجوانان تاکنون همگون و یکدست ارائه شده، لیکن در موزد ارائه تصویری از انسان آفریقایی در کتاب‌های نوجوانان هیچ تجربه و پیشینه ادبی همگون و واحدی وجود ندارد. برحسب منافع و علایق گوناگون جهان غرب در دوره‌های مختلف، شخصیت انسان آفریقایی در ادبیات نیز دستخوش دگرگونی و تغییر شده است. با شکل‌گیری اتحادیه استعماری آلمان در سال ۱۸۸۲ و با ورود آلمان به منازعات استعماری برای تصاحب بخشی از قاره آنتاب، انسان آفریقایی که تا آن زمان در ادبیات نماد اصالت و نجابت بود، به وحشی بربری تنزل یافت که به بردگی گرفت و کشتنش مجاز بود، امری که با علایق و منافع رهبران استعمار همخوانی داشت.

استعمارگرایی در ادبیات کودکان و نوجوانان

پس از جنگ جهانی دوم در میان آثار ادبی کودکان و نوجوانان کمتر کتابی به تبلیغ صریح و آشکار نژادپرستی پرداخته است. در دهه ۵۰ و آغاز دهه ۶۰ با رجعت دوباره خشونت‌گرایی به ادبیات کودکان و نوجوانان ارائه نما و سیمای همگون و یکسان از تمام جهان سوم رونقی

کارگران مزارع نیشکر از سوی زمینداران است. تقسیم نامعادلانه زمین، فقر، اخراج و عدم تأمین اجتماعی و پیوند این پدیده‌ها با تاریخ استعمار فیلیپین به نحو تکاندهنده‌ای از زبان رامون بازگو می‌شود. زبیرت راه آشکاری برای برون رفت از دایره شیطانی فقر و استثمار ارائه نمی‌دهد. برادر رامون که عضو جنبش چپگرای "ارتش نوین خلق" است به قتل می‌رسد. رامون راه نجات را در آموزش و با سوادی می‌بیند. باری، پیام کلی و ناروشن کتاب آتای زبیرت در این حکم خلاصه می‌شود: رهایی تنها از درون و بدست خود مردم امکانپذیر است. همبستگی و پایداری همگانی راه را به سوی رهایی خواهد گشود.

ادبیات اصیل جهان سوم.

آنچه که به‌تازگی از ادبیات کودکان و نوجوانان در زمینه مسائل جهان سوم انتظار می‌رود اصالت و واقع‌گرایی است. از مدتها پیش کتاب‌هایی از نویسندگان آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین در بازار کتاب کودکان و نوجوانان یافت می‌شده‌اند. اما در سال‌های اخیر شمار چنین کتاب‌هایی پیوسته فزونی گرفته است و خوانندگان اروپایی نیز کشتی فزونت و آگاهانه‌تر به این کتاب‌ها نشان می‌دهند.

با افزایش این گونه کتاب‌ها کارشناسان کتاب‌های جهان سوم امیدوارند که تناقض دیرینه میان دیدگاه فرهنگی نویسنده اروپایی و فرهنگ بیگانه‌ای که وی به توصیفش می‌پردازد برطرف شود.

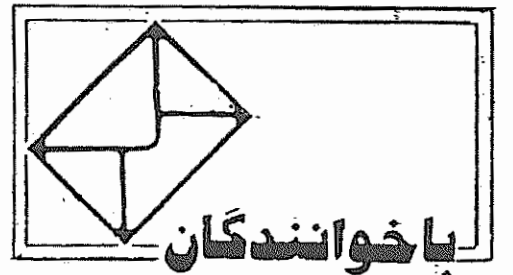
اکنون به‌درستی این سوال پیش می‌آید که جذابیت و کشش ادبیات "اصیل" در کجا نهفته است و آیا شیوه برخورد و کشش فزاینده اروپاییان اسطوره اصالت و تمایز فرهنگ جهان سوم را که از سوی همین اروپاییان ساخته و پرداخته شده، تداوم و بقا نمی‌بخشد؟

"خاک برادر زرد گوچک" نام کتابی است از کارن پرس‌یکی از نویسندگان آفریقایی جنوبی. جان کلام کتاب انشای ابعاد و تأثیرات تبعیض‌نژادی در آفریقای جنوبی است. "خاکبردار زرد گوچک" قهرمان داستان، از اینکه بچه‌ها از او گریزانند و به سویس سنگ پرانی می‌کنند ملول و ناراحت است. یک روز که تعدادی ماشین برای ویران کردن زرافه‌ای هجوم می‌آورند، ماشین زرد و کوچولو خود را با هستگی از صف آنها کنار کشیده و پنهان می‌شود. در این میان با دو نوجوان سیاه آشنا می‌شود ضمن گفتگو با آنها درمی‌یابد که کلیه آنها برخلاف میلشان ویران می‌شود. خاک برادر گوچک ضمن پشمبانی از همکاری‌اش در این ویرانگری نوجوانان را یاری می‌دهد تا کلیه خویش را دوباره برپا سازند. پیام کتاب کارن پرس عبارت است از: "نه آنچه که هستی، بلکه آنچه که می‌کنی مهم است." دباخت و تازگی این کتاب همانا در پرداخت ساده و افسانه‌گون مضمون آن نهفته است که خشونت و تالانگری دستگاه تبعیض‌نژادی را به زبان بیگانه و با ظرافت بازگو می‌کند. یک نویسنده اروپایی بعید بود که بتواند از چنین درون‌نمایی‌ها که چندان تازه و بکر هم نیست، پرداختی چنین بدیع و جسورانه ارائه دهد. بسیاری از حکایات و داستان‌های مردمی جهان سوم نیز افسانه گویند. این حکایت و داستان‌های حاوی تجارب و یافته‌های این مردمند و در همان حال عادات و رسوم آنها را نیز بازتاب می‌دهند.

انتشارات لامو ناشر کتاب‌های (BAOBAP) به ابتکاری ستودنی دست است. این انتشاراتی در صدا که با همکاری بنیادهای کودکان در کشورهای جهان آثار نویسندگان آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را ترجمه کند این راستا تاکنون ۶ کتاب ترجمه و منتشر شده‌اند. یکی از این کتاب از خانم آنها را با ما خادوا، که "رتکین کمان" نام دارد تصاویر سیاه و سفید انتشار یافته است. مضمون کتاب از این است: حاکم مستبد یکی کشورها همه رنگ‌ها را قتل می‌کند. بزرگان بتدریج رنگ از یاد می‌برند. روزی بچه‌ها آسمان رنگین‌کمانی را می‌بینند و وجود و کیفیت رنگ‌ها درمی‌یابند. از آن پس تخیل تصورات کودکان هر چه بی‌رنگین می‌شود، امری که مبار کودکان در راه آزادی رنگ‌ها دامن می‌زند. این مبار سرانجام به سقوط دیکتاتور می‌انجامد.

مضمون کتاب برای نوجوان آمریکای لاتین دشوار و غیرقابل فهم نیست، چرا که از زندگی روزمره آنها چندان به‌دور نیست اما خواننده اروپایی برای درک درون‌نمایه کتاب به آگاهی و اطلا بیشتری از وضعیت این کشور نیازمند است.

کتاب مصور آتای "ایزوبیو پوکو" که با نام "وار یا کشور" را می‌بیند، انتشار یافته است می‌تواند آغازی برای رفع فرجه دیدگاهی باشد که از ادبیات اصیل جهان سوم درکی غیر متعارف افراق آمیز دارد. خوانندگان جوان از زبان واریا باسن و کتیب سرخپوستان آمازا در بولیوی آشد می‌شوند. نکته قابل انتقاد در این کتاب شاید نام‌خوانی گهگاهی میان تصویر و متن باشد. کتاب "میدان نبرد" نوشته نویسنده معروف نیجریه خانم بوشی امکت شاید نمونه خوبی برای تأیید دیدگاه کسانی باشد که در اصالت و تمایز ادبیات جهان سوم راه افراق می‌پویند: پایان جنگ بیانرا اخلاقی و تحولی را در فرهنگ اهالی نیجریه موجب می‌شود. ارزش‌ها و معیارهای پیرترها برای نسل جوان نامفهوم و درک ناشدنی می‌نماید. میان گروهی از نوجوانانی که والدین خود را در جنگ از دست داده‌اند با جوانان ده همسایه دعوا و کشمکش می‌گیرد. زمانی که دعوا ابعاد خطرناکی به خود می‌گیرد، پیران محل جوانان را به کشتی سنتی با یکدیگر ترفیق روز که تعدادی ماشین برای ویران کردن زرافه‌ای هجوم می‌آورند، ماشین زرد و کوچولو خود را با هستگی از صف آنها کنار کشیده و پنهان می‌شود. در این میان با دو نوجوان سیاه آشنا می‌شود ضمن گفتگو با آنها درمی‌یابد که کلیه آنها برخلاف میلشان ویران می‌شود. خاک برادر گوچک ضمن پشمبانی از همکاری‌اش در این ویرانگری نوجوانان را یاری می‌دهد تا کلیه خویش را دوباره برپا سازند. پیام کتاب کارن پرس عبارت است از: "نه آنچه که هستی، بلکه آنچه که می‌کنی مهم است." دباخت و تازگی این کتاب همانا در پرداخت ساده و افسانه‌گون مضمون آن نهفته است که خشونت و تالانگری دستگاه تبعیض‌نژادی را به زبان بیگانه و با ظرافت بازگو می‌کند. یک نویسنده اروپایی بعید بود که بتواند از چنین درون‌نمایی‌ها که چندان تازه و بکر هم نیست، پرداختی چنین بدیع و جسورانه ارائه دهد. بسیاری از حکایات و داستان‌های مردمی جهان سوم نیز افسانه گویند. این حکایت و داستان‌های حاوی تجارب و یافته‌های این مردمند و در همان حال عادات و رسوم آنها را نیز بازتاب می‌دهند.



بحرالعلوم‌های وطنی

سخنرانی آقای شاملو، شاعر گرانقدر و وطنمان، در آمریکا در برکلی و ایراد نظراتی پراکنده و بسیار تلگرافی راجع به موسیقی سنتی ایران عکس‌العمل‌های تندی را دامن زد. کار بدانجا کشید که علاوه بر شعبان بی‌مخ‌های مقاله‌نویس سلطنت‌طلب، کسان دیگری که در دامنه هنر و بخصوص موسیقی سری توی سرها دارند، در صدد پاسخگویی به برخی اظهارات خارج از محدوده‌ی ایشان برآمدند. یعنی آقای لطفی سعی کردند پاسخی فراخور به ایشان بدهند تا ضمن دفاع از موسیقی سنتی و طلب نظر افرادی که از پی داوری آقای شاملو نسبت به موسیقی سنتی شک و تردید بر جانان رخنه کرده بود و یا شکشان تبدیل به یقین شده بود، در ضمن شاعر پرآوازه و وطنمان را سر جایش نشانند و جلوی تندرویها و بی‌پروایی و "توهین"هایش را نسبت به موسیقی و دست‌اندرکاران آن بگیرند. خوب هنرمند نامی‌ها، آقای محمد رضا لطفی، خواستند ابرویشان را بگیرند زدن چشمش را هم کور کردند. یعنی بجای اینکه بسیار آمرانه نظرات خودشان را پیرامون موسیقی ارائه دهند و البته آقای شاملو را دعوت به آرمایش احساسات تند و عمیق و دلسوزانه‌شان نمایند، نه ورداشتند و نه گذاشتند شروع کردند در یک سوم مقاله‌شان (تذکرنامه‌شان) به افشاگری اینکه آقای شاملو بدلیل اینکه اشعارش بی‌وزن و کزایه‌ای است و اینکه اینگونه اشعار در ایران جایی و مکانی ندارد، گویا ایرانی نبوده و بی‌وطن است! جل‌الخالق! بحق چیزهای نشنیده! و گله کردند از اینکه نمی‌توانند روی شعرهای شاعر طراز اول مملکتمان آهنگ تنظیم نمایند. علاوه بر این آقای لطفی به آقای شاملو متذکر شدند که در محدودهای که تخصص ندارند، دخالت نکنند و ساکت بمانند. اما سینه آقای شاملو پر زورتر از این حرف‌ها بود که ساکت بنشینند! پس ماجرا ادامه دار شد. تضحیه جالبی است: شاملو نظرش را راجع به موسیقی سنتی ایران می‌گوید. لطفی بهش می‌گوید تخصص نداری ساکت باش و حرف نزن و بعد خودش به شاملو درس می‌دهد چگونه شعر بگوید. خوب لطفی حرفش را زد بی‌ربط یا باربط. معلوم بود که آقای شاملو هم بیکار نمی‌نشیند و اتفاقاً هم ننشست و پاسخی

مقرب می‌شود دیگر. تا قدری فضا پیدا می‌کنند همه می‌افتند بجان هم.

منکه می‌گویم همه ما آزادیم راجع به هر مسأله‌ای که صلاح می‌دانیم و بنظرمان مفید می‌رسد، نظر بدهیم. این دلیلی بر مدهی بودن نیست. نه آقای لطفی، نه آقای شاملو و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند بدلیل آشنایی بیشتر حق و تو داشته‌باشد و یا امتیاز خاصی در داوری. شاید اگر آقای شاملو ابتدا شکل صحیح طرح مسئله و مشکل را مناسب انتخاب کرده بودند و آقای لطفی هم بر آن رخنه نمی‌شدند و در جوابیه‌شان به بیراهه نمی‌زدند و باز متعاقب آن آقای شاملو نتعابه پاسخگویی صرف به جوابیه‌ی لطفی بسنده نمی‌کردند، الآن چیزی هم عاید ما می‌شد. مثلاً می‌توانستیم بگویم هنرمندان ما چقدر توی چننه‌شان هست و یا اینکه تاب و تحمل نقد شدن بیرحمانه را دارند یا مثل سازمان‌های سیاسی ما همچنان در موضع تدافعی در گوشه‌های خودشان را گیر انداخته‌اند و به هر کسی می‌گوید بالای چشمشان ابروست، چنگ می‌اندازند.

خلاصه ما ناظران حیران بالاخره نفهمیدیم که حرف حساب آقای لطفی و یا هم‌نظرانشان که از موسیقی سنتی دفاع جانانه می‌کنند و مدتهاست نوید زیرو روش‌دشان را می‌دهند و اما باز هم در همان چهارچوب چندساله سابق کله‌معلق می‌زند، چیست و از سوی دیگر آقای شاملو منظورشان از موسیقی مناسب و مورد نظرشان؟ یعنی نه این و نه آن بر ما معلوم شده است. خوب تکلیف چیست؟ هیچ به نظر می‌رسد تکلیف ما این می‌شود که وقتی هر کسی ساز خودش را کوبد می‌کند و در دستگاه خودش و برای خودش می‌نوازد، برویم دنبال آنجایی بگردیم که سازهایشان را برای روشن شدن روح و روان و آگاهی ما بکار می‌اندازند. ناسلامتی حرف آخر را ما باید بزنیم، نه؟ ایبه امید اینکه آقای لطفی و شاملو و هنرمندان و دست‌اندرکاران دلسوز دیگر دلایل قانع‌کننده و همه‌فهم‌تری را برای نظریاتشان پیرامون دفاع یا رد موسیقی سنتی ایران ارائه دهند.

طرح پیشنهادی برای حل مسأله کردها در ترکیه

زندان است. مصاحبه "اوجالان" با شماره اول آوریل ۱۹۹۰ روزنامه حریت، نشان‌دهنده گرایش PKK (حزب کارگران کردستان ترکیه) این طرح نیز هست.

طرح پیشنهادی برای حل مسأله کردها در ترکیه:

۱- خلق کرد بی‌قید و شرط محق است که خود سرنوشت خویش را تعیین کند و اگر بخواهد محق است که دولت مستقل خویش را برپا سازد. این به نفع زحمتکشان است که از طریق یک انقلاب دموکراتیک مردمی بر مبنای برابری و آزادی، یک وحدت دواطلبانه (در ترکیه) انجام پذیرد. حق جدایی همواره شرط غیرقابل چشم‌پوشی یک وحدت دواطلبانه است.

۲- همزیستی و یا جدایی در پیوند با آزادی اراده خلق‌هاست. برای این که این آزادی اراده تجلی آشکار یابد، لازم است که در مناطق کردنشین یک همه‌پرسی صورت گیرد. قبل از این همه‌پرسی، آثانی نیز که طرفدار جدایی‌اند، باید امکان یابند که آزادانه مواضع خود را تبلیغ کنند.

۳- در تحت شرایط تاریخی کنونی، راه حل زیر به نفع هر دو خلق (ترک و کرد) است:

برقرار یک جمهوری فدراتیو دموکراتیک استوار بر دو حکومت فدرال برخوردار از حقوق مساوی. در این فدراسیون قدرت از طریق مجالس خلق اعمال می‌شود. این مجالس از طریق انتخابات دموکراتیک در روستاها، محلات شهرها، شهرها، استان‌ها، در ایالت مستقل و در سطح کل جمهوری، تشکیل می‌شوند. ارگان‌های رهبری در شهرها و استانها و نیز حکومت‌های ایالتی و فدرال ارگان‌های مجریه مجالس خلقند و باید بدانجا پاسخگو باشند.

۴- مجلس کل جمهوری از طریق انتخابات سرتاسری تشکیل می‌گردد. به‌ازای تعداد معینی از شهروندان یک نماینده برگزیده می‌شود. مجلس خلق مرکب است از نمایندگان دو خلق به تعداد مساوی.

قوانین باید به تصویب اکثریت نمایندگان هر دو مجلس برسد. هر قانونی که در یکی از دو مجلس تصویب نشود، فاقد اعتبار است. قانون کار، حقوق جزایی و مدنی و قضایی برای کل جمهوری اعتبار دارند و مصوبه ارگان‌های فدرالند.

۵- در آن دسته از شهرها و استان‌های هر دو حکومت ایالتی که اقلیت‌های ملی اکثریت ساکنین را تشکیل می‌دهند، بنا بر خواست اهالی، خودمختاری منطقه‌ای اعمال می‌شود.

۶- قانون اساسی فدرال قانون مشترک هر دو خلق است و بر مبنای یک همه‌پرسی و تصویب اکثریت هر دو خلق، اعتبار می‌یابد. هر ایالتی خود دارای یک قانون اساسی حکومت خودمختار خویش است که دارای موادی اضافه بر قانون اساسی فدرال است.

۷- پرچم و سرود جمهوری فدرال پرچم و سرود مشترک ترک‌ها و کردهاست. علاوه بر این هر حکومت ایالتی خود دارای پرچم و سرود ویژه خویش است. نام کل جمهوری نباید فقط از نام یک خلق، برگرفته شده باشد.

۸- امور مربوط به دفاع، جنگ، صلح، نمایندگی در مجامع بین‌المللی و انعقاد قراردادهای معتبر بین‌المللی در حیطه اختیارات ارگان‌های فدرال است.

۹- هر دو حکومت خودمختار

بتهیه از صفحه ۸

سال به دلیل انتشار اولین کتابش و تز دکترایش از طرف حکومت نظامی ترکیه به ۱۲ سال و سه ماه زندان محکوم گردید. در طول مدت زندان توطئه قتل او و چند زمانی دیگر با انفجار بمب گازاشک‌آور و شلیک تیر از پنجره‌های زندان به درون سلول ریخته شد اما وی جان سالم بدر برد. در سال ۱۹۷۴ به دلیل یک معفو عمومی از زندان آزاد گردید و در همان سال کتاب "متد و روش علمی" را منتشر کرد. در سال ۱۹۷۷ چند کتاب از او از طریق انتشارات کمال به بازار عرضه گردید از جمله این کتب کتاب‌های تبیین اجباری کردها، اصل تاریخ ترکیه، تئوری بودن خورشیدی و مسأله کردها، بودند که تمامی این کتب از طرف دولت ترکیه ضبط و توصیف گردید و اسماعیل نیز به همین دلیل به دو سال و چهارماه حبس محکوم گردید. وی از اول دسامبر ۱۹۷۹ تا ۱۱/۴/۱۹۸۱ در زندان بود و پس از اتمام مدت محکومیت، محکومیت او تمدید گردید. در ۲۳ مارس ۱۹۸۲ به علت نوشتن نامه‌ای از زندان که در ۱۴/۸/۱۹۸۰ به زبان انگلیسی و فرانسوی برای مدیر کانون نویسندگان سوئیس خانم "بورلینگر" فرستاده بود، ۱۰ سال زندان با اعمال شاقه به وی ابلاغ گردید. در سال ۱۹۸۷ از زندان آزاد شد و در ماه ۲/۱۹۹۰ کتاب‌های "استعمار بین‌المللی کردستان، مارس ۱۹۹۰، دانش، ایدئولوژی آشکار، حکومت، دموکراسی و مسأله کردستان، یک سازمان باغوش و مسأله کرد، راه چاپ رساند. در ۱۲ مارس ۱۹۹۰ حکم بازداشت مجددی صادر گردید و او به دلیل دفاع از کردستان زندانی و در حال حاضر در زندان به سر می‌برد.

در بخش دوم طرح پیشنهادی تونجارسلان سردبیر نشریه Dogru در رابطه با حل مسأله کردها در ترکیه ارائه می‌گردد. دولت ترکیه، تونجارسلان را به خاطر ارائه این طرح دستگیر نموده است و در حال حاضر در

توضیحی پیرامون چند نامه و مقاله

دوست عزیز، پیام از هوستون. مقاله شما بنام "مسائل اصلی در سازمان ما و چگونگی طرح صحیح مسائل مورد بحث" که پاسخی است به مقاله "مسئله اصلی در سازمان ما چیست؟" نوشته مهدی خسروشاهی به دست ما رسید. متأسفانه حجم این مقاله بیش از یک صفحه نشریه اکثریت است و بدلیل آنکه یک مقاله تئوریک است، امکان خلاصه کردن آن برای ما وجود ندارد. باپوزش از درج آن خودداری می‌کنیم. همکار گرامی ح. بهداد. مقاله "چین و تایوان: گذار از ستیز و چوچش به سوی وحدت؟" را در فرصت مناسب مورد استفاده قرار خواهیم داد.

بخشی از کتاب "۸۳۰ صفحه‌ای" استالین، پیروزی و تراژدی" توسط رفیق امیر.

سبحان افزایش مجدد نفت و آمریکای لاتین در راه فراموشی توسط سفیر مرادی.

حزب هلنی می‌شود. به‌مناسبت ۶۹مین سالگرد تاسیس حزب کمونیست آفریقای جنوبی و هم چنین آماری مربوط به فعالیت شرکت‌های چند ملیتی توسط دوستان مرتضی میثمی از بریتانیا.

ترجمه بخشهایی از سخنرانی فیدل کاسترو بنام "جهان سوم کجا می‌ماند؟" توسط محسن رفیق در توضیح این ترجمه یادآوری شده است. تا آنجایی که به خاطر می‌آید امروزه از دموکراسی صحبت زیادی می‌شود. با تعهد بر این اصل میبایستی نظریات رفیق کاسترو نیز در نشریه انعکاس شود تا رفقای سازمان ما و دیگر علاقمندان چهره‌های همه‌جانبه از تحولات و دگرگونی‌های جهان داشته‌باشند. "متأسفانه تاریخ این سخنرانی مربوط به ۹ ماه پیش است. نامه رفیق محسن، تاریخ ۸ ماه پیش را دارد. بدلیل ناسامانی در کار ما، از این ترجمه به موقع استفاده نشد. ضمن پوزش از این دوست عزیز، از ایشان تقاضا می‌کنیم تا به منظور اجرای نظری که در سطور فوق ابراز داشته است، ترجمه یکی از سخنرانی‌های جدید فیدل کاسترو راجعت درج در نشریه ارسال دارد.

* ترجمه بنامی "از یکدیگر جدا شویم تا اترناتیور اتقویت کنیم" و "انشعاب؟ نه! اقاطعه‌نه!" توسط همکار گرامی امان محمود از ایتالیا. از این ترجمه‌ها استفاده خواهد شد.

مجازند که با کشورهای خارجی روابط مستقیم و اقتصادی و فرهنگی برقرار کنند و در کشورهای دیگر نمایندگی خود را داشته‌باشند.

۱۰- در هر یک از سطوح رهبری، قدرت به طور کامل در اختیار مجالس خلق و ارگان‌های رهبری مسئول در برابر این مجالس است. سازمان‌های انتظامی منطقه‌ای تحت فرمان ارگان‌های رهبری منطقه‌ایند که به نوبه خود در برابر مجلس منطقه مسئولند. سازمان‌های انتظامی روستاها از جانب جوانان روستا تشکیل شده و تحت فرمان انجمن ده قرار دارند.

۱۱- زمین داری بزرگ و رهبری عشیرتی و همه اشکال روابط قرون وسطایی که نه تنها سیر تکامل ملی و اجتماعی همخوانی ندارند، بلکه مانع همزیستی برادرانه خلق‌ها نیز می‌شوند، از طریق اصلاحات ارضی باید از طریق بسیج روستائیان و باهدایت خود آنان صورت گیرد.

جمهوری فدرال بر میزان سرمایه‌گذاری در مناطق به لحاظ اقتصادی عتق مانده می‌افزاید، تا از طریق مکانیسم اقتصاد بازار نابرابری بین مناطق را از میان بردارد. از این طریق بنیاد اقتصادی اتحاد خلق‌ها تقویت می‌گردد.

۱۲- حقوق و آزادی‌های دو خلق و هر اقلیت ملی و مذهبی برای تکلم به زبان خود و تکامل فرهنگ خود و برای فعالیت سیاسی و تشکیلاتی، ملحوظ و محفوظ است.

۱۳- ترکی و کردی زبان‌های رسمی کشورند. در هر ایالت، زبان رسمی زبان آن ایالت است. مصوبه‌های ارگان‌های فدرال به هر دو زبان تحریر می‌گردد. از مدرسه ابتدایی تا دانشگاه در همه نهاد‌های آموزش و موسسات فرهنگی امکان کاربرد هر دو زبان در امور آموزشی و تحقیقی، و در مطبوعات، رادیو، تلویزیون و نظایر اینها متحقق می‌شود.

۱۴- از طریق رفع ستمی که تا به امروز به خلق کرد روا داشته شده است، فرهنگ این خلق امکان رشد و نمو می‌یابد. ارگان‌های رهبری خواهند کوشید از طریق توسعه روابط دموکراتیک فرهنگی با ترک‌ها و کردهای ساکن کشورهای دیگر و توسعه دادن به یک فرهنگ بین‌المللی مشترک، با دیگر خلق‌های گیتی در یک جو پلورالیستی دارای تنوع فرهنگی همزیستی و همکاری داشته‌باشند.

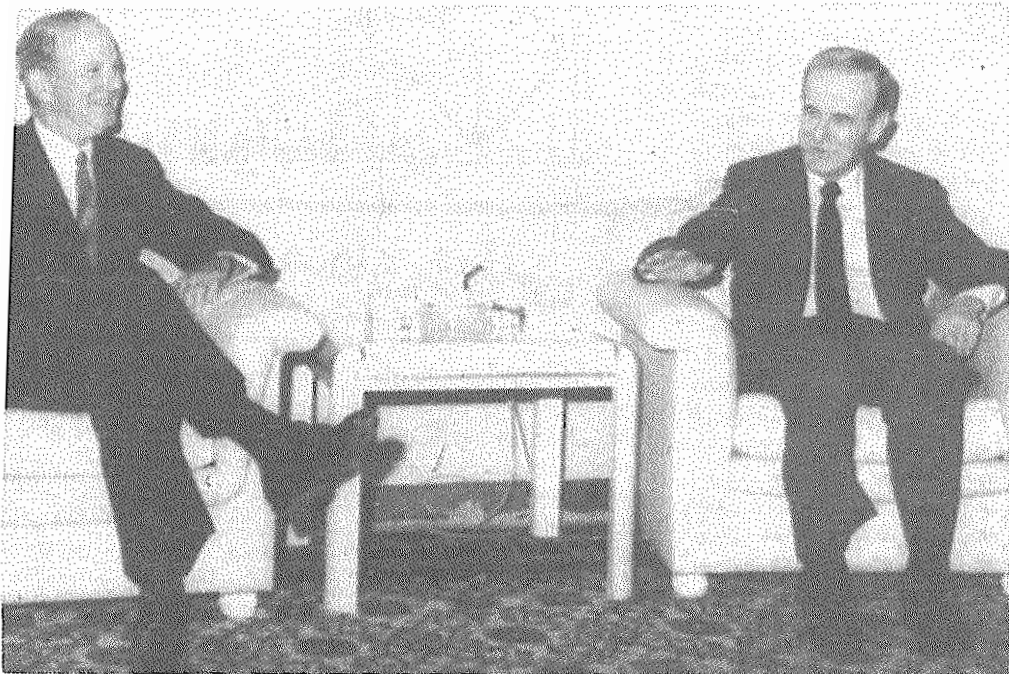
۱۵- همه ارگان‌های رهبری برای اشاعه فرهنگ بین‌المللی زحمتکشان، که در میان خلق‌ها صلح و انسانیت و جلوگیری از کاربرد قهر را اشاعه می‌دهد، می‌کوشند. آنها می‌کوشند که فرهنگ پوسیده‌ای که در زندگی اجتماعی و در روابط خلق‌ها حل مسائل از طریق اعمال قهر را تشویق و تقدیس می‌کند، ریشه‌کن گردد.

در برابر یک فرهنگ فاشیستی، که از زمان جنگ مالازگیرت (۱۰۷۱) تاکنون در بخشی از گیتی که ما ساکن آئیم، سلطه یافته است و علیه هرگونه ناسیونالیسم، یک فرهنگ دموکراتیک، انسانی، جهان‌نگر و انترناسیونالیستی اشاعه می‌یابد، که می‌کوشد منابع فرهنگی ما را که از طریق شمار زیادی از خلق‌ها فنا یافته‌است، باز جوید و محافظت کند. نام شهرها و روستاها در نزد ما، نشان‌دهنده تنوع این منابع فرهنگی است. باید جلوی تعویض آنها گرفته شده و هر منطقه‌ای نام اصلی و شناخته شده خویش را داشته‌باشد.

چند توصیه به خوانندگانی که خواهان همکاری با صفحه "باخوانندگان" هستند

- برای آنکه بتوانیم نامه‌ها را در نشریه درج کنیم، کوتاه بنویسید. مقالاتی که از ۵ صفحه کافذ A یا ۳ ستون نشریه بیشتر باشد، درج نخواهد شد.
- مطالب خود را خوانا و بر یک روی کافذ A بنویسید.
- برای نوشته خود یک نام (واقعی و یا مستعار) انتخاب کنید.
- نشریه اکثریت از بازگرداندن نامه‌هایی که به دفتر آن می‌رسد، معذور است.

ملاقات وزیر امور خارجه آمریکا و رئیس جمهور سوریه



کرد که کشورش تعداد سربازان سوریه موجود در عربستان سعودی را از ۴۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰۰ نفر افزایش خواهد داد.

لیست کشورهایی قرار دارد که وزارت امور خارجه آمریکا را متهم به حمایت کردن از تروریسم بین‌المللی می‌کند. فاروق الشرح وزیر امور خارجه سوریه پس از پایان سفر بیکر اعلام

جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا روز جمعه ۱۴ سپتامبر سفر خود را به سوریه پایان داد. او پس از ملاقات با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه فضای مذاکره را کاملاً دوستانه خواند. سوریه در

ماندلا: "مقاومت دشوار است"

که از قطار به بیرون می‌شتافتند، آتش گشودند. یک ناظر عینی خبر داد که جوانان به صوت سیستماتیک کار می‌کردند و واگون‌ها را یکی پس از دیگری می‌گشتند. تمامی این‌ها، آشکارا به خوبی سازمان داده شده بود. واگون‌ها و سکوی راه‌آهن تماماً به خون آغشته بود. بنا به اطلاع پلیس مجرمین به قبیل زولو تعلق داشته‌اند. اما اینکه سرنشینان قطار، افرادی از گروه‌های مختلف سیاه‌پوست وجود داشته‌اند، نشان می‌دهد که این حمله نمی‌تواند کار گروه مشخصی باشد. ضمناً پلیس احتمال داد که افرادی که مسئول کشتار روز جمعه هستند، قاتل سه راننده سیاه‌پوست تاکسی در شهرک سیاه‌پوست نشین سووتو باشند. در سووتو افراد ناشناس به یک نفر پلیس نیز حمله کردند.

تجدید است. "تصمیمات جدید برای تخفیف دامنه درگیری‌ها هفته آینده هلنی خواهد شد. هفته گذشته در نتیجه حمله گروهی از جوانان سیاه‌پوست به یک قطار محلی حامل سرنشینان سیاه‌پوست ۲ نفر کشته و ۱۰۰ نفر مجروح شدند. براساس گزارش ناظرین عینی گروهی شامل ده جوان با نیزه و سلاح‌های مشابه به سرنشینان قطار حمله کردند. یک شاهد عینی گفت: "من فکر نمی‌کردم که بتوانم زنده از مهرکه بگریزم". بسیاری از سرنشینان کوشیدند برای نجات جان خود از پنجره‌های قطار در حال حرکت به بیرون بپرند و یازیر صندلی‌های قطار مخنکی شوند. مقتولین این حادثه بیش از همه مردان و زنان پیری بودند که نتوانستند خود را به مکان امنی برسانند.

روز جمعه ۱۴ سپتامبر دیداری میان مقامات عالی دولت سفید پوست آفریقای جنوبی و اپوزیسیون سیاه‌پوست این کشور صورت گرفت. فردریک دکلرک فرانسوی و نلسون ماندلا که در پی خونریزی مجدد میان سیاه‌پوستان، به دیدار هم نشسته بودند، امکانات تخفیف درگیری را مورد بررسی قرار دادند. ماندلا گفت که در بدنه ANC ناراضی‌ها افزایش یافته است. ولی افزود که هیچگاه هواداران خود را تا بدین حد ناراضی ندیده‌است. ماندلا گفت "آن‌ها تقاضای سلاح می‌کنند و این برای ما بسیار دشوار است که در مقابل این خواست بایستیم." دکلرک قبلاً گفته بود که نیروهایی وجود دارند که امیدوارند این مذاکرات نتیجه‌ای در برداشته باشد. موج جدید خشونت، آتش‌افروزی و ضایعات مالی از جانب دولت متمدنی پذیرفتنی نیست. "آفریقای جنوبی نوین، که هدف تمامی اتباع این کشور است، در نتیجه این اقدامات در معرض

مخالفت گارباچف با طرح ریشکوف

میزان ۳۰ درصد خواهد شد و هیچگونه ابتکاری برای حمایت از مردم در طرح پیش‌بینی نشده است. باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن دفاع از برنامه شاتالین اعلام کرد در صورت عدم موافقت پارلمان اتحاد شوروی با برنامه شاتالین، جمهوری روسیه به تنهایی آن را عملی خواهد کرد.

استانیسلاو شاتالین که مورد حمایت نیروهای رادیکال از جمله باریس یلتسین است، پشتیبانی کرد. نیکلای ریشکوف نخست‌وزیر اتحاد شوروی در جوابیه خود در پارلمان ضمن رد کردن انتقادات وارده به برنامه دولت اظهار کرد که عملی شدن طرح شاتالین به طور قطع منجر به پایین آمدن سطح زندگی در اتحاد شوروی به

میخائیل گارباچف در پارلمان اتحاد شوروی خواهان سرعت بخشیدن به روند اقتصاد بازار در کشورش شد. گارباچف در سخنرانی خود از طرح نیکلای ریشکوف، نخست‌وزیر شوروی به خاطر حضور عناصر جدی از اقتصاد برنامه‌های در آن شدت انتقاد کرد و به شکل غیرمنتظره‌ای از طرح اقتصادی

توافق دولت و نیروهای اپوزیسیون در کامبوج

در طرح صلح سازمان ملل متحد تصریح شده است که تا زمان برگزاری انتخابات آزاد در کامبوج نیروهای صلح سازمان ملل اجرای آتش‌بس بین طرفین درگیر نظارت خواهند کرد و مسئله کرسی نمایندگی کامبوج در سازمان ملل به طور موقت و مشورتی اداره خواهد شد.

وزیر خارجه اندونزی و معاون وزارت خارجه فرانسه که مسئولیت برگزاری نشست جاکارتا بین نیروهای درگیر کامبوجی را عهده‌دار بودند در پایان مذاکرات پذیرش طرح صلح سازمان ملل متحد را گامی بزرگ برای رسیدن به صلح در کامبوج اعلام کردند.

نیروهای درگیر در کامبوج هفته گذشته در جاکارتا پایتخت اندونزی بر سر ایجاد شورای ملی به توافق رسیدند. برپایی شورای ملی بخشی از طرح سازمان ملل متحد برای پایان دادن به منازعات موجود بین دولت هون سن و اپوزیسیون می‌باشد.

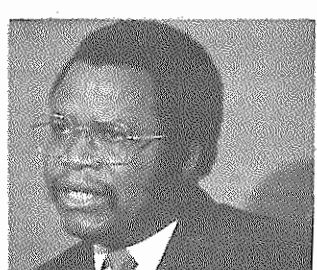
برای اشتراك نثریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/> شش ماهه	۱۱ مارک	۱۳ مارک
<input type="checkbox"/> یک ساله	۲۱	۲۲

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/> شش ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
<input type="checkbox"/> یک ساله	۶۲	۷۶
	۱۴۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

رئیس جمهور لیبریا کشته شد



جنگ خونین و چند ماهه در لیبریا هفته گذشته با به قتل رسیدن "ساموئل دو" رئیس جمهور لیبریا توسط نیروهای شورشی ژنرال جانسون وارد مرحله تازه‌ای شد. با مرگ "دو" تلاش نیروی صلح کشورهای آفریقای غربی برای برقراری آتش‌بس بین طرفین درگیر با معضلات جدیدی روبرو خواهد شد. یک روز پس از قتل رئیس جمهور لیبریا، دیوید نیجلی رئیس گارد ریاست جمهوری خود را جانشین "دو" خواند و بر ادامه جنگ علیه شورشیان توسط نیروهای طرفدار "دو" تاکید کرد.



ساحل هاج از فقیرترین کشورهای آفریقای است. مردم بسیاری از گرسنگی می‌میرند. پاپ دریک زره پوش می‌رود تا کلیسای رادر "پامو سکوری" در ساحل هاج افتتاح کند. کلیسایی که بزرگترین و گرانترین کلیسای جهان است. ۲۵۰ میلیون دلار هزینه ساخت آن شده است و تنها کلیسای اصلی واتیکان با آن قابل مقایسه است. شاید پاپ اندیشیده است که اگر سر رو به بالا باشد، گرسنگی شکم فراموش می‌شود. شکم گرسنه باید دین و ایمان داشته باشد.

طرح پیشنهادی برای حل مساله کردها در ترکیه

ترجمه از: جبار ۱۹۶۷ تز دکترای خود را تحت عنوان "سازمان اجتماعی یک قبیله کوچکتر" که زمستان‌ها سیل فان "Silvan" و تابستان‌ها بر روی کوه‌های نهرود و "Suphan" به سر می‌برند، نوشت. در اواخر سال ۱۹۶۷ در تظاهرات شهرها و دهات مختلف کردستان (سیل فان، دیاربکر، زینگیر، ناگری، درسیم، بات‌هان و...) فعالانه شرکت کرد. در سال ۱۹۶۸ نوشته‌ای در مورد تغییرات اجتماعی خلق کرد منتشر نمود. سال بعد اولین کتابش تحت عنوان "ساخت جامعه، اقتصاد و زمینه عمومی شرق آناتولی به بازار عرضه شد. در سال ۱۹۷۰ در دانشگاه آنکارا در بخش سیاست آزاد شروع به کار تحقیق و تجسس نمود. در سال ۱۹۷۱ به دلیل فعالیت سیاسی از دانشگاه اخراج گردید. در همین بقیه در صفحه ۷

ترکیه اشاره‌ای می‌شود. این نوشته برگردانی است از مقاله‌ای که در مجله شماره ۱۶ کردستان آرشیو Arschiv Kurdistan به زبان آلمانی درج شده است. اسماعیل بیشکچی در سال ۱۹۳۹ میلادی در ایسکیلیپ "Iskilip" نزدیک "Corum" متولد شد. در سال ۱۹۶۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در آنکارا به پایان رساند و در سه سال دانشجویی یک پراکتیکوم در "Elazig" کردستان گذراند. خدمت سربازیش را در دو شهر کردستان به نامهای "تیلیس" و "هکاری" به اتمام رسانید. در سال ۱۹۶۴ به عنوان کارمند در "Hozat" شروع به کار کرد و در اواخر همان سال به عنوان دستیار جامعه‌شناسی وارد دانشگاه آنکارا گردید. سال

سرکوب ملت کرد در ترکیه تا حد انکار و محو و نابودی این ملت از سابقه طولانی برخوردار است. دولت فاشیست ترکیه هرگونه ندای حق طلبی در ارتباط با ملت کرد را همچنان با سرکوب وحشیانه پاسخ می‌گوید. در ترکیه دستگیری و زندان و شکنجه و کشتار مبارزان دموکراسی و آزادی قطعاً مختص به ملت از مملکت‌های سرکوب این ملت از مختصات ویژه‌ای برخوردار است. در همین رابطه تا به حال مبارزان فیرکرد زیادی نیز به دلیل دفاع از حقوق کردها و یا طرح مساله کردها تحت پیگرد و شکنجه و زندان قرار گرفته‌اند. در این نوشتار فقط به دو نمونه از جمله آزار و زندانی کردن مبارز ترک اسماعیل بیشکچی و تونجا ارسلان که ترک هستند ولی از حقوق ملت کرد دفاع کرده‌اند و نیز طرح پیشنهادی تونجا ارسلان در رابطه با کل مساله کردستان در

AKSARIYAT
NO. 319
MONDAY 17.Sep.1990

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

آدرس: **RUZDEH**
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W.GERMANY

حساب بانکی: **M.ABD**
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W.GERMANY